

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**پیکار** ۵۷

۱۴ صفحه

**جاودان باد خاطره ۱۵ خرداد**

**نقطه اوج مبارزات ضد امپریالیستی -**

**دمکراتیک ۴۲-۳۸**

صفحه ۱۰

سال دوم - دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ بهار ۲۰ ریال

**کس نه له گورد مُردوه، گورد زنده**  
کسی نکوید که خلق کرد مرده است، خلق کرد زنده است! صفحه ۶



**نوطنه سرکوب**  
**نیروهای انقلابی را بایبوند**  
**هرچه بیشتر با توده ها**  
**نقش بر آب کنیم!**

این روزها موضوع سرکوب و تصفیه سروهای انقلابی در سطح وسیعی بر سر زبانهاست. استخا و آنجا از دستگیریهایی گسترده و "مهیا کردن" زندانها و خانه‌گردی‌ها و از "اندوختن" دوم، سخن مسرود، شما بنده اول بهران در چها رم خردا دهکام حضور شما ندگان مجلس در سزدا بیت الله حسنی از بیکار ابداحتن "شمیردوم" سخن میگوید، شمیری که سگ دم آن علیه کمونیست ها سگار گرفته بود! و آیت الله مشکسی از سرکوب کمونیستها حرف میرند و اعلام می - داره که حتی با سدر خاها ای آنان حضور یافت و آنها را تا روما رگرد...! (سحرای آیت الله مشکسی در ۳۰ روز پنجمین شماره رتلویزیون بحث شد). خانواده های بسیاری از میان رزس که در زمان ما خاشکن سا هدلی ها و مسوات های سا واک و در خیما ن رژیم بپهلوی را تحریر کرده اند و پس از فضا منبزشا هدا عمل سا واک منشا به بسیاری بوده اند، نگران حال فرزندان ما رر خود می با شنود...

بقیه در صفحه ۹

**کرایسکی و شرکاء:**

**وابستگان امپریالیسم در ایران**

در همه گدسه های رژیم سرس رهبران "س الملل سوسالسی" اروپا دعوت رنسی جمهور ایران به کشور ما آمدند. سوچه وقت سبب ساس دعوت وسفر و اهداف میرسان وسهمان می - سوا ندما راسس ارسس در فاسای چکویکی "سما ره صدا میرا لسی رژیم و ساسا لسی ای که راسس "سما ره" داره و در عین حال سفا وسفا شکه در اسس مناس سس حاجتی محفل رژیم موجودا س رهسوس سوا. اما فصل آرآن سخی سس اسر داس سس اهداف میرسان (عجبا سوزروا لسیها) اراسس دعوت وسررسی مفاد سهمان اراسس سفلار می - داسم که محصری در باب حوکمی سکیل وما سس اس "سس الملل سوسالسی" که ساسندگان سسان اسسان با بد سرائی گرم وساسان سوه دستولر سس اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی ایران روسرو سسند، سسگار سس: سسه در صفحه ۲

**در صفحات دیگر این شماره:**

- حزب توده و ادامه خیانت هایش صفحه ۱۳
  - یاد شهیدان خلق عرب را گرامی بداریم! صفحه ۱۶
  - بمناسبت ۵ زونن، یورش تجاوز کارانه اسرائیل علیه خلق صفحه ۱۵
  - اخراج کارگران و کارکنان مبارز کارخانه ماشین سازی تبریز صفحه ۳
  - نامه بازماندگان شهدای سینما رگس آبادان صفحه ۱۲
  - سازمان مجاهدین و جنبش کردستان (۳) صفحه ۷
- از چندین سوی و... اسفاده می کنند، همزمان با اعدام نیروهای انقلابی و کمونیست - هائی که در دفاع از خلق کردیا در دفاع از داسگان - ها در برابر بیوروشی که ساسم "اسقلاب فرهنگی" اسحام سس ما دقا به مبارزه کردند.
- بقیه در صفحه ۴

**شاه هنوز هم زوزه میکشد:**  
**کمونیستها را بکشید! چرا؟**

همزمان با اوچگیری تسلیمات ضد کمونیستی در را دیوتلوویزیون و مطبوعات کشور و از زبان مسئولین ورهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران، همزمان با نسبت دادن سبب آنها مات وسفاحنه نظیر "نش زدن حرمین" و "سک امروز در کردستان و جا های دیگر" به کمونیستها، همزمان با سبب ران کردستان و فضا سی کردن خلق قهرمان کرد، همزمان با تشکیل "دادگا های عدل اسلامی" بدون حضور سبب منصفه و بدون وجود کبیل مدافع و با وصنی که مردم ما ناهدند که چگونه در دادگا ه آنها هم در سفا بطی که در دادگا ه متهم را محاکمه نمی کنند بلکه با زحوشی می کنند و سرائی خرد کردن روحه متهم

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱

کرایسکی ...

انترناسیونال دوم با حاکم معین المللی  
 از حزب سوسیال دمکرات که بین الملل سوسیالست  
 کنونی، خود را حلقه وحاشی آن میداند در سال ۱۸۸۹  
 طی کنفرانس در پاریس تأسیس شد. این سازمان که  
 تقریباً در برگیرنده کلیه احزاب کارگری اروپا،  
 ایالات متحده آمریکا بود و نام "بین الملل دوم"  
 معروف گشت. بعد از ۶ سال توسط فردریک انگلس  
 یکی از بنیان گذاران مارکسیسم رهبری میشد. در  
 این مدت احزاب کارگری "بین الملل دوم" به ستر  
 انگار و ابدهای سوسیالیسم علمی و کتیک به تحکیم  
 احزاب کارگری می پرداخت. بطوریکه احزاب کارگری  
 رفته رفته بصورت نیروهای سیاسی مهمی در اغلب  
 کشورهای اروپایی ظاهر شدند. پس از مرگ انگلس  
 سنجید رهبری انترناسیونال دوم با حاکم معین -  
 المللی احزاب سوسیالیست طریق انحطاط و پورتونیم  
 را در پیش گرفت. بطوریکه دیگر نیروهای راستین  
 بیولتری و مرحله حزب پراگماتیک رنلتونیک به رهبری  
 لنین نمی توانست در این سازمان بین المللی  
 باقی ماند و محرک سیاست های سفاک ارتجاعی و  
 بورژوازی آن باشد. حادثی و افتراق احزاب واقعی  
 بیولتری از انترناسیونال دوم "واررهران مرید  
 آن" چون سوئیس، کانگوتسکی و... و روسی  
 قطعیت یافت که مواضع "انترناسیونال دوم"  
 در برابر جنگ جهانی اول (۱۸ - ۱۹۱۴) توسط  
 ورکستکی و انحطاط و دینا له روی رهبری این سازمان  
 را از سورژواری امپریالیستی انکار گسخته کشورهای  
 خود سنا بتر گذارد. اکثر رهبران انترناسیونال دوم  
 بی اثر شروع جنگ جهانی اول آنجا که به هولناکی  
 ارجحیت و ارتداد سقوط کردند که همستکی و اسر -  
 نا سوسا لیسیم بیولتری را فراموش نموده و در جهت  
 دفاع از میهن سورژواری به بیولتاریا پشت کرده و  
 با سرپا گذاشتن تصمیمات صریح کنگره های فلسفی  
 بیولتاریا بی کوشها پیمان را برای حراست از مواضع  
 و مصالح سورژواری به صلح جنگ نامنا شور اول  
 فرجا دادند. اگرچه حزب بلشویک روسیه به رهبری  
 لنین، انقلابیون آلمان به رهبری لنینگت و حزب  
 سوسیالیست چپ بلغارستان و... فاطما به در مقابل  
 جنس احراف خطرناکی ایستادند و لنین با فضای  
 سرخها به رهبران انترناسیونال دوم پرداخت  
 ولی اینها همه مانع از آن نشدند که اکثریت رهبران  
 حاکم انترناسیونال دوم با حاکم معین المللی  
 احزاب سوسیالیست (که سنا سنا گان سرخها و ارتش  
 و احلاف آنجا در همه پیش میماند دولت و شورای ایالات  
 جمهوری اسلامی ایران بودند) به خدمت سورژواری  
 در بند و مواضع بیولتاریا کشورهای خود را فدای  
 مواضع و مصالح امپریالیستها نمایند. لنین در  
 مورد این حاشیان به بیولتاریا و این چاکران درگاه  
 سورژواری چنین می گوید:

سوسیالیست ها یعنی سوسیالیستهای در  
 گناه سوسیالیست های در کردار، اینها افرادی  
 هستند که دفاع از منافع را در جنگ امپریالیستی  
 ... مدعی می نمایند. این افراد دشمنان  
 طبقاتی ما هستند و سورژواری کرده اند.  
 (وظایف بیولتاریا در ایالات ما)  
 اکنون سالیهای درازی از این اظهار نظر لنین  
 و عملکردها به حساب آنرا که رهبری حاکم  
 بین المللی سوسیالیست ها (انترناسیونال دوم) می  
 گذرد گذشت. زمان وید و اما عمل سورژواری این

رهبران و احزاب بیروشان رورسوریشنتر نظرات  
 صحیح و اصولی حاکم انقلابی چپ انترناسیونال دوم  
 به رهبری لنین را ناشناخت و رسا نبود و حاشیان خوبی  
 با مشاهده عملکردهای این احزاب به صحت نظرات  
 لنین و وفویا فهمید. آنها دیدند که سنا حاکم به  
 عمل مسقیم سورژواری امپریالیستی تبدیل  
 شدند، آنها دیدند که چگونه ادا مدهندگان را  
 کاتوئیسکی ها در حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری  
 کمبوله که در آن زمان سخت و زبر بود - در حراسان

کشور همین آقای "برنوکر کرایسکی" که امروز عوت بنی صدر به ایران آمده است تا جمهوری اسلامی را در مبارزه با ابرقده رتبا "یا روهمد" باشد معتبرترین پایگاه انتقالی مهاجران یهودی از کشور شوروی به اسرائیل است. مهاجرانی که به علت تخصص و کارایی اکثریتشان نقش تعیین کننده ای در ادامه حیات غاصبان اسرائیل داشته اند.

دلالتی که با هدف حل مسئله گروگانها و عادی ساختن رابطه با آمریکا میبماند از رژیم جمهوری اسلامی هستند. میبماندانی که اگرچه به دعوت بنی صدر رغواً مغریب به ایران آمدند ولی ملاقات "سازند هود وستانه ای" هم با بهشتی داشته اند.

قطب زاده در مورد سفر کرایسکی دلالت و همراهان میگوید: "... طبیعتاً ما باید با اینها تماس بگیریم و سعی کنیم از طریق اینها که شخصیتهای بزرگی در دنیا هستند (منظور ویلی برانت از آلمان و اسحاق رابین از اسرائیل، کرایسکی از اطریش و... پیگار) ... حقا نیت انقلاب را بگوش همگان برسانیم که واقعا خیلی مهم است (۱) (از کی تا بحال حزب کارگر اسرائیل و ویلی برانت و کرایسکی... پیکتهای انقلاب شد مانند ۱۲)

حک که سال سوئد ۱۹۵۶ همدست با انگلیس و اسرائیل صهیونیست به مصر حلال عدالتا مرحله ورشده است. آنها با وضوح کامل و علیرغم مخالفت ملیتبا سوسیالیست ها مواضع حاکم انترناسیونال "سوسیالیستهای" فرانسوی را در مقابل خلق میهران الحزاب مشاهده کردند و دیدند چگونه آنرا از اسعما رفتار سه در الحزاب حمایت نموده و "فرانسوا میران" رهبر "حزب سوسیالیست فرانسه" دسورکس را بر دم آرادیدخواه اس کشور را ممداد.

حاشیان سوئسی سنا ادا مدهاسا ل و حاشیه فلسطین و انصاف محسباتی از زمین کشورهای غربی را توسط "حزب کارگر اسرائیل" دیدند و بر ما همدست ارجاعی "حاکم معین الملل سوسالیست" که یکی از اعمای آن "حزب کارگر اسرائیل" است پیش از پیش واقف شدند. حری که به رهبری گلدما پرمیسیونست سرحاشیان اسرائیل صحنه میگرداد و کشتار و حاشیه خلق فلسطین را به حرا در می آورد. حاشیان دیدند که چگونه سنا سنا گان "حاکم معین الملل سوسالیست" چون ویلی برانت در آلمان کورا میرا لیسیم آلمان به عا رگری و سگر - سطحها ادا مدهاند.

مردم آگاه حاشیان سنا سنا گان ادا مدهندگان سوسالیست شوسه... انترناسیونال دوم "هرگز از مسر حاشیه ای که طبعی منکرند احراف حاکم لنگرند و همان حاشیان سورژواری و امپریالیستی سنا سنا گان خود را به رهبری "صحت ها ای خون ویلی - برانت (آلمان) سوسوکرایسکی (اطریش) اولاف نالمه (سوئد) ها رولند ویلسون (انگلسان) و... ادا مده می دهند. کتور همن آقای "سوکرایسکی" که امروز به دعوت بنی صدر به ایران آمده است تا جمهوری اسلامی را در "منازعه با اسرودرنا" "اروهمد" باشد معتبرترین پایگاه انتقالی مهاجران یهودی از کشور شوروی به اسرائیل است. مهاجرانی که به علت تخصص و کارایی اکثریتشان نقش تعیین کننده ای در ادامه حاشیان غاصبان اسرائیل داشته اند امروز مردم جهان و سرخهای سمدیده ایران میداند که یکی از رهبران اصلی "حاکم معین الملل سوسالیست" که اکنون با صطلاح به حساب ارمرد ایران سرخاسته است، آقای ویلی برانت و حزب سوسیالیست دمکراتش در آلمان میبماند که بر تحریم

اهداف رهبران "سوسیالیست" چیست؟

بعد از صا مبهن، امیرنا لیسیم آمریکا پیوسته کوسیده است با ا طریق محلف به رسم ضربات گذشته بردا حه و موضعب حوش را که دستخوش تزلزل گشته بود، سنا سنا گان بحد و مناسات خود را هیئت حاکمه "عادی" سازد. برای سحقی این هدف، امیرنا لیسیم آمریکا اردو طریق ادا مکرده است:

- ۱ - از طریق هیئت حاکمه و بویژه عواملسی که مسعما در خط امیرنا لیسیم آمریکا حرکت میکنند.
- ۲ - از طریق کوشهای مختلف بین المللی آمریکا اس سنا سنا گان را به شکل گامها حمی و گامها کومت - آمبره پیش برده است و امروز در ادا مدهاس سنا سنا گان و اسکی و دلالتی به دوش رهبران "حاکم سوسالیستها" محول شده است. دلالتی که با هدف حل مسئله گروگانها و عادی ساختن رابطه با آمریکا میبماند از رژیم جمهوری اسلامی هستند. میبماندانی که اگرچه دعوت بنی صدر عوا مغریب به ایران آمدند ولی ملاقات سازنده و دوسانه ای "هم بهشتی" داشتند.
- ۳ - آقا سنا رهبران "سوسالیست" ها بگفته خود سنا "قطع برای جمع آوری اطلاعات به ایران آمده اند و "به برای حل مسئله گروگانها" اما از آنجا که دروغ گویان کم حاطه هم هستند، در جای دیگر از زنا آقای سوسوکرایسکی اسرا ممدادند:
- ۴ - "علت ممدان مرص، کار سنا سنا گان سنا سنا گان رسم" (با ممداد ۶ خرداد)
- ۵ - طبعاً منظور سنا سنا گان است که آزادی گروگانها را در سردا سنا سنا گان (۱) و در حش حط طا هرو ب حساب آوردن "صحت" طرفین درگیر یعنی ایران و آمریکا محصه را سنا سنا گان سرنا سنا گان را به روال عادی سرگرداند.

امیرنا لیسیم آمریکا و سورژواری ایران ممدادند

بقیه در صفحه ۱۵

(۱) - روزنامه لوموند پخش ۸ خرداد نوشت که رهبران "انترناسیونال سوسالیست" بدون احضار سبچه در مورد آزادی گروگانها ایران را ترک کردند.



### آزادی ننگران مبارز با پیکار متحدانه کارگران امکان پذیر است نه با سیاست سازشکارانه

سخن آزیکنما و ونیم از اسارت به تن از شما بندگان شورای پالاتکا و آنا دان منگردد، در این مدت شورا به شما حوده هموار و سیاسیات سازشکارانه و استغنا و نگاهه با لاشیا را دنبال نموده بلکه زکستری شی مناره و اعراض کارگران سز خلوکمیری کرده و بدین - برینت بر حیات و وفای حب هشت جا کمه به ادامه اسارت به نگران مناره افزوده است. کارگران می - سبند در حالیکه زفعالی منارشان در زندان بسر می بریدند ما مسئول صفت بعد در بلائند بنا سا واکنشای فراری را بحماست خود به سرکار بازگرداند.

منا هده اس ومع و سازشکارانه شما بندگان (واستبه احسن اسلامی) خشم و نا رضایتی اکثریت عظیم کارگران را برانگیخت. آنها میخواستند هر چه رود در مجمع عمومی تشکیل شود برای جلوگیری دفاع از حقوق خویش و تلاش برای آزادی ننگران رندایی تصمیم گیری شود.

ضرورتی نیلنا س خاص و اوسفر م مخصوص می باشد . هرمان با آما ده کردن سخن اربین خود کمو - بستنی به اسواع و سائل و ابیاد کنیکه کادب در دل مردم با آکا ه علیه کموسیسیا ندی عوان که کمو - بستنی ملحد و خدایسان و جرم سوزومد ملتت و سکا به برینت و عمال آ آمریکا و سوروی و غیره هستند ... آری هرمان با استیغمه میوطنه ها که خواست امیز با لیم آمریکا است و مردوران و همدستان داخلین یعنی سا واکنشای، فرما ندان اربین و سوزمانه - داران و اسامه ... در انجام و کمترین این سوظنه ها نفس دارند، شاهان و ساطع همدار خردین روره ها سس خواستار کسنا ر کموسیسیا است :

رادیومهای آمریکا صبح روز ۵۹/۳/۷ مباحثه با هارنکس هنت مدیر روریا معا سنگس بست را که در ما هره عمل آمده سخن کرد .  
**شی ۵** ظها را میدواری کرده است که میبیس - برسان (یعنی سا واکنشای که دسه سه آرا دسه و بنا در سا واما نکا رکما رده شده اند و بر سران ارتش نظیر فلاحی ها و ماعری ها و کسانیکه در سرکوب خلق کرد همان حنا سایی را مرتکب شدیکه اربا نا سسان در (حام و فلسطین)، ایران را بحالت دهد، زیرا در غیر آن صورت ایران بدست کموسیسیا خواهد افتاد .  
و اما حارشا ه سعید را ز دست کموسیسیا مسالند و حرا سعید را آنا می برسد و حی در آ جرم س روره - های ما بسوا نه اش را چون کموسیسیا شها است ؟  
و اما چه نظمه مشرکی ، ح مافع مشرکی بس شها و ورز ساج کم کومی در سرکوب کموسیسیا وجود دارد ؟  
سها دلیل اس است که کموسیسیا دشمنان درجه اول و سارشان با بدسرا میر با لیم، سرما نه داری و هر - کوه سسم ملی و طبقاتی هستند و این دلیل اس که کموسیسیا نار ان صدق و فدا کار کارگران و

"حلالگر" و "مذاغلای" خواندن سرپرست معورت شمار "حلالگر" ر حانه ا حراج با س کرد "د ر سطا هرات حنا سایی رور دوشنبه (۵۹/۲/۲۵) با درست بود . این درست است که انگونه سرپرستها مذاغلای و اخلالگر حساب میآند ، اما سوا حه به جو شرایط موجود در حا معه (که معمولاً "مذاغلان" و "حلالگر" به عا صر منارر و اعلای حا معه و کار حانه که معمه مسود) با کندر روی اسگونه سها رها و آسرا محور تسلیمات با کارگری دندن ، با درست بوده و نه هداست مناره صره میرند . همچنان که سبکها به مظارا بر سرور ! رکا ر حانه اس کارگران هم سخی ار رهگذار می بیند اسدی که اپی سظارا ب علیه کارگران مناره و اعلایی است . با کندها طلسی کارگران در سلسله با خود علیه اسگونه عا صر با سسی بر خصوصیت "مدکا زگری" آنها ساد .

ب - سکا مستند :  
۱ - سظارا بر در سیرور رکا ر حانه ، اسگونه سظارا بر عرصه مناره رار ا محیط محدود کار حانه به منان مردم کساده و موجب آکا هی سافس سا سر کارگران کار حانه ها ا رعل ا اعراض اس کارگران می گردد .

۲ - حوا نه های " نظارت بر تولید " ، پس را حراج سرپرست ، کارگران ندیمی خود نظارت بر تولید نحی از کار حانه را سعهده می گمرد . این عمل گذشته آرا سکا عا ب سهرسدن کمیت لایمها میگرد ، کارگر - ان را سب سوا ن و کار آئی خود آکا ه برقی - کردادند . کارگران در عمل می سمد که مسموا سبند بدون سرپرست سرحود تولید را بگردانند .

۳ - معا و ب گدا سس سس کارگران و سرپرست :  
تعا و سگه سورا سبکها معما که معا رات منان سرپرست و کارگران با آکا هی میدار و اولی را ا حراج ونه سسه سها به ا حقا ر کناست منکدنا سرحوسی روی کارگران میگردارد و عا سو حود ا مدن بحثها شی سس آنها و با لارنس آکا هی طبقات نشان منگردد ، اس سرحورد و دگا نه به سکارگران نشان داد که کارگران چه آکا ه حه با آکا ه (بشرطیکه مردورنشا شد) همه اربیک طبعه بوده و دارای مافع مشرکی هستند . در استگوبچ و عوا مل کسای سس شیوه بر خورد ما نسبت به سرپرستان ا حراج آنها ساند و در مورد کارگران نا آگاه و فریب خورد ه کار سوبیحی و آموزش این سکنه که مافع آنها در حناست و بستنی اش ا حوا ستها و مافع دیگر کارگر - ان است و سحناست ا ر سرپرستها و عوا مل کار فرما !

بفیه: صفحه ۱

#### شاه ...

هرمان با سرور انقلابیون کمونیست و سبروهای مترقی و حوم به مستیکها و موسسات فرهنگی روز - با س و کنا شعروشی های مترقی و مردمی ،  
هرمان با سدورات غلاظ و ندا دبه مردم که کموسیسیا و سبروهای اعلایی را همچون سا واک ! سا ساشی و شغیت کنند ، (آما ی مهدوی کسی سرپرست کمند ه طای اطلاعیه ای میدرج در اطلاع با ۵۹/۲/۶ صص طرح جنس حواسها شی از مردم می افزاند که جهت ساساتی و دستگیری اس به اصطلاح محرمین

بعد از ظهر روز سه شنبه ۵۹/۲/۳ طبق دعوت مشترک شورای کارگران و کارمندان جلسه ای در بنا سگسا ه صنعت نفت آبا دان تشکیل شد و در آن شورای کارگران گزارش کار خود را در مسامرت به تهران و تما س با مقامات مسئول بیان کرد ، در خلال این گزارش گفته شد که نما بینگان (وا بستبه انجمن اسلامی) شورا برای حل مسالفا ن بحای تکبیه قدرت همبستگی کارگران حلوی ما شین منتظری خوابیده اند !

کارگران آکا ه و میارزا ز نشیدن این گزارش از نا راحتی سخودی بیچیدند ، آنها می دندند که چگونه عده ای سازشکار قدرت عظیم کارگران را بسازی می - گیرند و شما بندگی آرا سها خلوما شین منتظری می خوانند .  
اس جلسه س اربیک سری افشاگری از سوی کارگران آکا ه و مناره رار حلهه اینکه بدستور معین فر هشت تحریر به نشر رسا ما ر حق استفا ده از مکانات چاپ صنعت نفت منم ، میگرددولی "اداره سبج ملی" با (سا واک) جدید صنعت نفت) میبشوانند از آن استفا ده سها بدون تر؛ شد قطعنا معای با بیان یافت .  
پس از این اس نشست بخش عظیمی از کارگران با شعارها شی چون کارگزاران شی ، زندانی سیاسی آزادما بدگردد و مرکز بر معین فردرکوی کارگرددست به را هیساشی رسد .

رحمکتان می باشد ، و سبیم دلیل است که تمام نگهاسان و حاطس سرما نه داری در هر رنگ و لسان دشمن آنها هستند .

با در مفا حها س در مورد بعضی احمالی ان برای جلوگیری از کمونیست بدن ایران گفت "اس امر سسگی به خواست ملت ایران دارد ، پنجاه سال سرکوب کموسیسیا و دستگرنروهای انقلابی بدست رزم سبهلوی برای ساسانظ ۱۰۰ سیست ، او هنوز هم حارس است و وظایف سسکاره ، ونسستها میزداند .  
**شی ۵** در حالیکه اربانان امیریا بست خویش آمریکا و انگلین کله میداست که چرا در سرکوب بیشتر مردم و آرایاری ندادند و در عا فلانه تری را در رابطه با هدفهای در آمد سسان پیش کسبند و ارتش را به "کویا ه آمدن" در سرا بر آیت الله خمینی ، و ادا ر کردند می گوید :

"آمریکا و انگلین را هرا برای بقدرت رسیدن حسی هموار کردند زیرا گمان می کردند که اسلام می ترسد و خلوی کموسیسیا را بگیرد در حالیکه اکنون (سعهده و) ایران سش از هر زبان دستگرا ماده ، افتادن به دست کموسیسیا س ،  
و در حای سگری اراس ماحه شاه "دل میوزاند" که "آنچه در این سا اسلام انجام منمود مردم را از اسلام دور میسوی می سارد" .

آنچه در اینجا مقصود ما است تکبیه بر کسهای اسب که سها هاش نسبت به کمونیسیا می وزد ، او سس طبقاتی خود اربا ساش را حوت شنا حه است ، او می - داند که سها کموسیسیا هستند که ساندولوی علمی و انقلابی خود ریشه سرما نه داری را برای همیشه سر - می کسد .  
رهران جمهوری اسلامی که ا رهح (واقعا هح ) بقیه در صفحه ۱۵

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان





# پیکار

## سازمان مجاهدین و جنبش کردستان (۳)

به این مناطق سرود و ارتداد برسد که ما مسائل آسان  
بوده، آیا اینکار رهنبرای سما بیچیده و غیر عملی  
است؟! ویا...  
● سازمان مجاهدین می گویند سرچورد غیر -  
معال ما غلبه دومی سزادارد و آن استسکه ما زمان  
مجاهدین "دارای ضعف و کمبودها درها و مسئولین"  
است و برای ما "کوچک" می باشد و این را برای  
انظار ریش از حدینا بد نشانید!

تعالی به مسائل مربوط به کردستان نگزیده است  
بخاطر استسکه که این مسائل سجده است! آیا  
واقعاً مسائل مربوط به حکم جاری در کردستان  
بیجده اند؟ سنتزما "مسائل سجده" سازمان  
مجاهدین بسیار راه دور و وسیعی می باشد.

### توجیه موضع انضالی و حرکت راست روانه

گفته که سازمان مجاهدین نسبت به جنبش کرد-  
ستان دارای سرچوردی اضعالی و راستروا به است و  
سجده گرفته که این سرچوردستانه، مثی منزلت لزل  
و با پیگیری کم براس سازمان است. حال بسیم  
رهبری این سازمان چگونه در پی سوجه ساس  
انحرافی خود می باشد :

● رهبری سازمان مجاهدین از توده ها صحبت میکند ، ولی توجه اصلی او به "بالا" و عنایات "بالای" هاست.  
رهبری مجاهدین از پیشبرد انقلاب صحبت میکند ولی از شیوه های انقلابی تحقق اهداف انقلاب  
استنکاف می ورزد . رهبری با این از خود مختاری در کردستان صحبت می کند ، ولی اجرای انرا از  
بهره واری حاکم خواهان است . این پدیده ها اتفاق نیستند . این موارد بیان یک تکرار و تاشی از یک  
مثی ناپیگیری . منزلت می باشد .

تعالی به مسائل مربوط به کردستان نگزیده است  
بخاطر استسکه که این مسائل سجده است! آیا  
واقعاً مسائل مربوط به حکم جاری در کردستان  
بیجده اند؟ سنتزما "مسائل سجده" سازمان  
مجاهدین بسیار راه دور و وسیعی می باشد.

مجاهدین می نویسند :  
" ما را از آنها مسئله ملت ها را می توانیم الحاد حسان  
لطفی کرده و بسیاری سروه را سررا را برای  
های سجده آن سهرم سدا دیم . ساهداس  
مطلب استسکه ما خود در هیک ار سواد سی  
سر سوره در کردستان و جه سر کم صحرا و جه  
بلوچسان) هیچ دسر و مرکزی داسر سوده و ار  
اسنرا ر حسی تک عضو علمی ساجعی سر در آن  
سواحی انحرار کردیم ."  
(سناداری سرامون حر روی و حب ساشی)

● ماد ر نشریه "مجاهد" بارها ر... هادرباره جناق بدستان حزب جمهوری اسلامی افشاگری دید فایم و این  
امرد رستی است . ما بارها و بارها راجع به انقلابیون مجاهدی که مورد ضرب و شتم آیشان "حزب الهی"  
قرار گرفته و با حقی زخمی و شهید شده اند ، مطلب افشاگرانه دیده ایم و این امر رستی است ولی آیا  
سازمان مجاهدین به میزان همین افشاگرانه های فوق در باره جنبش انقلابی خلق دلاور کردستان و صدها  
شهید او امکان درج مطلب نداشته است ؟ ویا آیا این جنبش قهرمانانه از نظر مجاهدین آنچنان  
اهمیتی نداشته که پیوسته مورد حمایت قرار گیرد ؟

تعالی به مسائل مربوط به کردستان نگزیده است  
بخاطر استسکه که این مسائل سجده است! آیا  
واقعاً مسائل مربوط به حکم جاری در کردستان  
بیجده اند؟ سنتزما "مسائل سجده" سازمان  
مجاهدین بسیار راه دور و وسیعی می باشد.

سازمان مجاهدین در سراطی که جنبش کردستان  
در اعلائی خود سومی سرد وینا گانه علیه اسنرا س  
حاکم و امیرا نسیم سیش می رود و در سراطی که  
پس اسر هر مان دگر ضروری اسد سا سروه ای اسنالی  
سطور معال در اس جنبش اسنالی سر تک کرده و در  
هدایت و اسرا س آن نکوشد ، در پی اسد سا سروه  
های اسنالی راز "رئیهای نسجده" و با در جمعیت  
ار سر تک معال در جنبش خلق کرد با ر دارد ، سازمان  
مجاهدین در پی آنست که بگوید "تازیه ای نسجده"  
مورد سو اسناده امیرا نسیم سرامی کرد ، حال  
آنکه در سرب عرس ، سنا رما سی که جنبش نسجست  
هدایت معال و اسنالی اسنالیون سرا ر دارد ، امکان  
جنبش ساجس سوطه های امیرا نسیم سرامی  
کند ، سنا رما سی که جنبش ملی ار طرفی سر تک معال  
کوس سستا و اسنالیون دگر سازمانه و به حرکت  
اصولی خود ادا مدهد ، فرصت جهت سو اسناده های  
امیرا نسیم سرامی س می رود . در واقع سازمان  
مجاهدین نفی عصر آگه ه و نس سار سنی سک لال  
اسنالی را نشور س می ساند . گونا فقط جنبی که  
سدر و اسر تک سروه ای اسنالی ساد ، سبتوا سب  
جنبشی سبر و س مند و معال و مدر سرا سبر س رر ریهای  
امیرا نسیم سرامی و اسرا سی ساد ، سبر عرس آسجه که  
رهبری مجاهدین نسلم می کند ، سننر ما کتا ر کسیدن  
ار جنبش ملی - طبقاً سی خلق کرد ، یعنی با زکواردن  
سد اسرتخا معون و امیرا نسیم سرامی ، یعنی سره زدن  
به انقلاب .

ای بوده و از امکانات شکلاتی گسترده ای در سطح  
ایران سرچورد است ؟ آیا این واقعیت ندارد که  
خود سازمان مجاهدین از طرق مختلف و از جمله سربه  
"مجاهد" سوسه میزان نفوذ گسترده خود ، سدر ب  
سارماندهی پس سراسری سربه خود... را سطر ح  
ساحه اس ؟ پس چرا در اسنای اسرا و اسره طوه می  
دهد و جمعیت را به توده ها نس می گوید ؟

مدا نسیم که اسد اسر ما با امروز هیئت حاکمه  
ساجس موا کوسد اسد و ده های اسنالی اس سود  
کند . با سواس س کاسوی اس اسنالی سمن ما و  
سدر ب سوه ای در کردستان ، سر کم صحرا و... ار  
اهداف داخل سرب حاکم سوده اس ، سراسوی اسد  
که در سر سوه ای که سجمس و ارد آورد ، سگ گام در جهت  
نسبت موفعیت طنبا سی خود سدا سده اس ، سجمس  
حاطرا کسمل سا ه سدا ران و اسر مدخلی ، که  
سردمما ز کردستان و سروه ای اسنالی آن سورین  
سرد . هیئت حاکم جنبی سدا اسنالی راعله حلی  
کرد اسرا ر کرد و خلق کرد و سترگان دلاور و سبه  
معال و سملحاه روی آوردند . سی نسیم که مطلب  
خلق ساد اس : مسئله حکم سن سدا سنلال و اسنالی  
اس . سدا سنلال در پی حده کردن اسنالی و سز  
گر سس سنا و ده های سده ای می سابد و اسنالی برای  
سغای خود سراسر رسدن به حقوق عادلانه خود در  
معال سهر دسمن س معال و سملحاه سوا معال سهر  
اسنالی می سزاد .

ساراس زمانی که سازمان مجاهدین در  
سفا طی همچون کردستان و سر کم صحرا سرتو کسار  
س می گیرند ، س سنا اسنالی سنا س می آند ، بلکه  
سربه اسنالی اسنالی اسنالی اسنالی اسنالی اسنالی  
سوا سیم که می در جهت سوس سوره ای حاکم است .  
حال مجاهدین در سوا س نسیم خود ، سجمس نسیم :  
" اسکه... گفته ام که در اس مناطق هیچ س  
بنده و عضوی سدارم ، طبعاً هیچ اسنالی برای  
ما محسوب س می شود... اما اگر به سنجنگی اس  
سری مسائل اسنالی سجمس و کمبودها درها و  
سئولس تک سازمان کوچک اسنالی اسنالی  
دگر سوجه کسجم ، سسجه سوری سرحا س کرده -  
اس سوا هود" . (هما نسج)  
این سرچورد اوج یک موصعگری فرصت طنبا سبه  
و سوجه گراه می ساد ، نه سده دلل ؟  
● مجاهدین اسعلامی کنند که اگر ما سرچورد

دوم اینکه سازمان مجاهدین از حداقل وظیفه -  
ای که در قبال جنبش کردستان داشته است طعه رهنه  
اس ، اسنالی حداقل وظیفه سبار اسنالی اسنالی  
سپرو و کسرتده هیئت حاکمه در کردستان و سسنا سی  
و حساب معنوی و سوسی از انقلاب در کردستان . سنا  
سب اسنالی نشریه سده سده اسرا اس حداقل  
وظیفه اسنالی سبده اس ؟ ما در نشریه "مجاهد"  
سارها و سارها در اس ره حلی سسدان حرب سجمسوری  
اسنالی اسنالی سده اس سوا اس اسنالی اسنالی اسنالی  
سارها و سارها راجع به اسنالیون مجاهدی که سورد  
سرب و سسما و سنا "حزب الهی" سرا رگر سوه و ساس  
رحمی و سسده سده اند ، مطلب اسنالی سده اس سوا اس  
اسنالی اسنالی اسنالی سنا سولای اسنالی سده سبه  
سنا سجمس اسنالی سنا سولای اسنالی سده سبه  
اسنالی خلق دلاور کردستان و سده سده اس ، امکان  
درج مطلب سده اس ؟ ویا سنا اسنالی سجمس سجمس  
سارها اسنالی اسنالی سده اس سنا سولای اسنالی سده  
سده اسنالی سده اس سنا سولای اسنالی سده سبه

حال آیا سازمان مجاهدین اصفا این مطالب  
رایی دادند ؟ آیا اسنالی سارمان سدر سده سسب  
هر حدم سصرو سوا س کردستان س می ساد ؟ آیا اسنالی  
سارمان سبی دادند که هیئت حاکمه در کردستان سبه  
حساب معنی سده اس ؟  
سننر ما رهبری سازمان مجاهدین اسنالی  
رایی دادند ، نسیم آنچنان گرفتار حرکت ابور س-  
سیمی و سسرا لی اسنالی که برای توجه حرکت معسب  
خود سسز توجیه معال سده اس "نالایه ها" و اسنالی  
روسن و عرابان سارره ملی و طنبا سنی "سجده" و  
خود را از ارکه تخطیل تک مسئله سده اس سوا س  
می دهد ، علاوه سراس ما از رهبری سازمان مجاهدین  
خلق می سرسما سنا سگر اسنالیون اسنالیون  
بیچیده مربوط سبه سارره سفا سنی ملی سراسر داسد  
و با اسنالی سدن سدن اسنالی سبده سنا سده سسب  
سفا و سفا مسائل بیچیده سنا سبده سنا سسب  
کوس سستا اسنالی سسرا و سدا سسب سرا سوب

سننر ما و اسنالی سسرا سرچورد های عساده سده و در  
سننر فرصت طنبا سده سوا س . در حقیقت رهبری  
سازمان مجاهدین می گوند اسنالی سسب سسب سسب  
خود در قبال جنبش کردستان را ساسف تخطیل و  
کمبود های سسبلا سی سسب دهه ، حال آنکه سسب  
اطلی سکل سسبگری اسنالی ، اسنالی عسب سسب سسب  
سسی سنا سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب سسب  
رهبری اسنالی سسب در قبال هیئت حاکمه اسنالی .

←







# جلودان باد خاطره ۱۵ خرداد نقطه اوج مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک ۴۲ - ۳۸



تکست معتصما به ما شیم جهانی که ما فهرما سی و  
عداکاری حلقهای سراسر جهانی و سویزه طبقه کارگر  
انقلابی دست آمد ، صورت قطعی سربکسرما به داری  
جهانی وارد آورده و با اوج گیری جنبش های انقلابی  
صدا میرسانیمت در سراسر جهان ، طوما را شتمسار  
کهن را درهم بپچید .

ما موروسی رتدرما به داری در عرصا امپریالیسم  
اوماع و نوابط جدید عدا رتک جهانی دوم ، امیر -  
بالسم آمریکا را در مفا م سرکردگی امپریالیسم  
جهانی فرار داد . امپریالیسم حوان و برنوان آمریکا  
ساگامهای بلند و مضم ، موماع رفقای خود را یکی  
سعدا رنگری در سراسر جهان شخبر سموده و هر جا که  
با می گداست ، سعی داشت سیستم استعماری سوییسی  
را که حوان و عارتگری های آشکارا امپریالیسم در  
برده میزانی داد ، نحای سیستم پیوسیده و افنا شده  
استعماری کهن سساد .

اسکاس مستقیم جنبی وضعی در میهن ما عمارت  
سودا پارچه میا شدن استندا سبیا ه رضا حانی ورشد و  
گسترش آزادی های دموکراتیک . چنین وضعیتی  
سهمراه خود رشد نیروهای انقلابی و گسترش نیما نغه  
اسعدا جنبش نبوده ای راه رمعان آورد ، شعله های  
فروران چیس صدا امپریالیستی - دموکراتیک  
مطای سراسر میهن مان را مورا ساخت و هر روز توده -  
های سشنتری را در دام خود جای داده و می پروزانند .  
در حالیکه حزب بوده ایران در سه مبارزات پر شکوه  
و دیرینه مبارزان کمونیست از حزب کمونیست ایران  
ناشورا های متحده سراسری کارگران اریکسو و  
محسوس و سوریس فراوان اردوی سوسا لسنسی  
و سویزه عداکاری حماسه آمرکوسسها در خنسک  
جهانی دوم ارسوی دنگر ، برعدرت ترس ویر نهود -  
سربس سازمان ساسی کسور نحاس می آمد ، ولسی  
نظمت غلبه ایورسوسم محط سربکسر رهبری حزب  
سوانست بوده های حزبی و سوده های ملیوسی شسر  
حزبی را برای مبارزه ، تطمی و انقلابی سربس  
سوده و برای انقلاب سدارک همه حاننه سمنند . از  
همین روست که سوزواری ملی سهربری دکنتر مصدی  
و دکمرفا طمی در راس مبارزات صدا امپریالیستی -  
دموکراتیک سالهای ۳۲ - ۳۰ که با جنبش سراسری

ملی بدن سمنند اوج خود رسده بود ،  
ترا رگرفت ، کودنای امیرالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ،  
که مخطه بیانی یک دوره رهنا را با صدا امپریالیستی  
دموکراتیک حلقهای ایران در فاطه ما سی ۳۲ - ۲۵  
نحساب می آمدنا با مدکنرمصدق و نحاس و سورسو -  
سیسم جرب بوده در با روح حوسبا را انقلاب صدا امپریالیستی  
دموکراتیک ایران سب گریسد . تا ریح در ساره این  
اپورتوسیم نحاس را فاطه نه داوری سوده است ،  
چیس مره ای نمی توانست تا شرمغنی خود را با از  
هم با سیدن موقوف طبقه کارگر ، گسترش وسیع سی -  
اعتمادی توده های حرده سوزو را به طبقه کارگر ، مره  
سراخا طبقه کارگر و حرده سوزواری و پا شدن نحس  
ناس و با امید در سمان توده های مبارزیا ولسی  
نگدارد ، آنجان مره ای که تا شرمغنی آن ناسه  
امروز سبدا منکسر سروه های انقلابی است ، امپریا -  
لیسم آمریکا که در شرایط سوس جهانی با شاعمرزانه  
و مصلحتی دفاع از آزادی و استقلال " سمنده ان رعایت  
با امپریالیسم انگلس و برفراری سسم سوا شتمعاری  
نحای سسم پیوسده اسعمار کهن ، گذاشته بودو در  
اسنادی امرسی داشت خود را پشت سرفوق سوزواری  
ملی سبسان ناحنه و اهداف خود را از طریق اس نیرو  
- هاد سبال سعاد ، خبلی زودوقتی با امواج سوده  
جنبش انقلابی مواحه سددرا شراک با امپریالیسم  
انگلس کودنای امپریالیستی ۲۸ مرداد را سربس  
داده و در اس مان حی نه (عنا مرصدی و میهن -  
سربس) سوزواری ملی سبزرجم کرد .

سوزواری ملی سبزرکلت خود سعی سنا سه  
تک نیروی ساسی سوزواری در مفا سنا شودا لسم  
و امپریالیسم انگلس که حای می رژیم مشودالی سواد ،  
سنا بیل و کش بسوی امپریالیسم آمریکا داسکسه  
موافق سرفراری حاکمیت سوما به داری سواد ، ما در  
سنا زره نا امپریالیسم انگلس که سگان شزحسش  
انقلابی در اس دوره سسوجه آن سواد ، داری ماطعبت  
سود و همین امراه سب سزایی داشت ، از سوی دیگر  
حطت سنا زنگار سونا سبکسر سوزواری ملی که  
عملیات خود را بصورت جناح اپوزسسون رژیم موجود  
سرتیب داده و سعی حواس و سعی توانست به سببج  
وسرست توده ها برای انجام انقلاب بپیردازد ، وحتی  
در سنا ایورسوسم ، انحفاظ و سی کفایتی رهبری ،  
حزب سوده ، در راس جنبش انقلابی فرا رگرفت ، سعی -  
سواست نیروی لایزال سوده را بجای هدایت در  
محرای انقلاب ، در مفا سنا و مفا حنا سبوج پارلمانی  
سه هد سده و سه اس ترتیب فرمت کامی سنا ارتجاع  
سره حورده ولی سهور سربگون سده دادا نیروهانی  
خود را جمع و سمرکرنموده و کودنای صدا انقلابی راه  
سوده ها سحمیل سنا بد .  
کودنا مواضع آمریکا را در سستم و سویزه در ارتش  
سحکم سمود ، ولی سوانست به سرفراری حاکمیت سی -  
حون و جرای این قدرت غارتگر حده سنا شمنس  
سود ، رژیم ایران همچنان رژیم سمنه مشودال -  
سمنه مسعمره و تحت سطره ، مسلط امپریالیسم

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق





# "حزب توده" و ادامه خیانت هایش

## «حزب توده» علیه جنبش خلق کرد با سرکوبگران خلق کرد همکاری میکند

"حزب توده" در راه با سخگوشی بسته آریبا با ن سوسیال امپریالیست اش همیشه دوسیا ست اساسی مرتبط سهم را تعقیب میکرده است: سیاست اول-در - یوزگی در قبال قدرت حاکم، سیاست دوم - توطئه و خیانت نسبت به جنبش خلق .

در زمان رژیم منصور و سرسپرده پهلوی حرکت حزب توده، با این دو جنبه از یک منی واحد است و سرشنسی در خود منعکس می نمود. حزب توده از یکسوا زرفرمهای ارضی امپریالیستی حمایت نمود، به سلطنت محمد رضا شاه سوگند خورد و اعلام و ما داری کرد و به حنا خهای "دوران ندیش" سرما بده را ن و اسبه و کمپرا دور دست دوستی دراز نمود و از سوی دیگر به جنبش ۱۵ خرداد ۴۲ حمله کرد، با قضا انقلابی سپاه کل را کما رعا سر تحریک شده از جانب ساواک توصیف نمود، با اقدامات انقلابی دانشجویان مبارز را کما راکا واک و نام نمود ساخت و بیوسه برای جنبش مردم، از چارج کشور محیط - تریب منی ساژنگا را نه و صدا انقلابی را تحویز میکرد (۱) خط منی از "حزب توده" پس از استفسار از رژیم جمهوری اسلامی تداوم میابد زیرا ما هیب حزب توده تمپیر سیاقفته بود، او از یکسوا در ابتدا - ان سوز و الیبرالهای ارتجاعی حمایت آشکار نمود پس از رسوا شدن ایشان مقداری عقب نشینی کرده، ولی حمایت فعال خود را از رژیم ارتجاعی حاکم ادامه داد، بر سوی دیگر به جنبش کارگری حمله کرد، با عوام مل رژیم علیه کارگران انقلابی و تشکلات مرتقی توطئه ریخت، به نیروهای کمونیست و انقلابی بیوسه حمله صدا انقلابی نمود و کثیفترین حملات را به جنبش انقلابی خلقها و بطور مشخص خلق کرد و ادعا ساخت، حمله ارتجاعی "حزب توده" نه جنبش خلق کرد نه جنبه مطنی دشمنی آشکارا این سیر و انقلاب خلقها می - باشد، او در حالی راه همیشه در همگوشی با روبرسو - سیاست های حاشیهای و همنا میبرد جهت ارجاع حاکم سرما بدهاری و بسته بطور مستمر گونشده اند.

صدا سکه رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا دشمنی خود را با خلق کردستان داد، این رژیم را مردم کردستان را کشتار نمود، حقوقی آنها را با بیعملی کرد و در مقابل حواست خود بخاری کردستان با کلودیه آنها پاسخ داد. این رژیم ما هیبنا منی - تواجیب به خواستهای انقلابی خلق کرد یا سخ گوید و آنچه کرد چارج ارما - اسود و واضح است که او در راه سرکوب حسن کردستان از حناست بدرستع سخام امپریالیستها و سروهای ارتجاعی برخوردار بود، ولی روبروسیت های "حزب توده" که پیوسته در پی آرایش چهره های جلادان خلقها میا شد جنبه از نقطه منصف جمهوری اسلامی ایران در چل سرستع و تواجیب - له کردستان و استعرا صلح عادلانه می - کند. حاله "کردستان بکما مرید" - مردم ۵۹/۲/۲۱) زده بدنا در ویر یوسسی "حزب توده" رژیم می - درج - بار سازی نظام سرما بدهاری و بسته گونشده - اس - مسوا بد منته خلقها را حل کند، یعنی حق در دست رن خلقها را بحق سبند! از بدنگاه

(۱) - برای تحلیل حرکت "حزب توده" رجوع نموده پیکار ۴۲ مقاله "حزب توده" را مشروطه خواهی ما فیما مطنی".

صدا رکسیستی "حزب توده" سوز و زاری ما هیبنا قبا در است که نسبت به خلقها اعمال شونستیم و سمدوگانه - شما ندو "صلح عادلانه" را به زحمتکنان اعطا کند! از نظر "حزب توده" تنها ایرادی که رژیم شما کم و ارداد است اینست که وسرعت عمل ندا رد و از ابس - عدم سرعت عمل صدا انقلاب "سهره گیری میکند و در کردستان بلوا بیما می نماید!

### ضد انقلاب کیست؟

اما سینستما زبتر کارگزاران سوسیال امپریالیسم شوروی در کردستان "صدا انقلاب" کسب؟ "مردم" می - نویسد: "عمل رژیم سوشی عراقی و امپریالیسم آمریکا در کردستان چون اوسسی ها، بحسبها، شیخ حلال، کومله، شیخ عثمان، بیکارو... از یکسو و عمل آشکار و پنهان امپریالیسم آمریکا و رژیم عراقی در ارتش از سوی دیگر، همه و همه دست بدست هم داده اند تا جمهوری اسلامی ایران در حلقه طوق کرد، با صدا روسرا زغری شود" (۲) (۳)

و اما صدا انقلاب کسب؟ - از حزب توده رژیم سوسیال انقلاب و صدا انقلاب را محدود می نماید؟ آیا فریب - کاری و دروغ پردازی های ارتجاعی - تریب توده می - شود یا این مرر را سودا راد؟ لازم بیوضیح است که تاریخ ساز رانی خلق ما علیه رژیم منصور با صدا داده است که دشمنی علیه سرما بدهاری و بسته و امپریالیسم ما زده کرده و جنگنده بدو حه کسب - به سازگاری با مرتجعین و خدمتگاری نسبت به امپریالیستها صدا گرفته اند، تاریخ سان داده است در همان زمان که حزب توده در چارج ارکسور محرز رژیم ندا می گفت، فرستادن انقلابی خلق و از جمله رفقای ما توسط رژیم خویشوار پهلوی به ارباب در آمده و با سرخوشه های اعسادم تیرباران می شدند، و تاریخ همین رژیم کمپوسی سیر ثابت کرده است که دشمنی سراه انقلاب و فا دارسد و چه کسب سیراه در ورگوری حرکت خود را ادامه میدهند، تاریخ دوره خدمت در سرتان داده است که سروهای انقلابی ما سدی کومله، سا رمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگری... به آلمان خلق و فا دار بوده و با طرد هر کوبه سازنگاری علیه امپریالیستها و مرتجعین ما رز کرده اند، آری تاریخ ما زره طغای و ملی سنان داده است که دشمنی در جنبه انقلاب قرار دارد

ولی تاریخ دوره احسوا و معتب دیگری را نیز نشان داده است و آن اینکه رژیم جمهوری اسلامی ما سبنا امپریالیستی و از جمله ما سبنا امپریالیسم آمریکا را با سدن ساخت، عمده فرا داد - های اسارت را استعمار را دست بخورده نگهداشد و ارتش نا هشتا می را اسرمسانی بحدیث خود گرفت. بله رژیم مورد حناست روبروسیتها - حزب توده، زبالیهای نا هشتا می اعلام آورده برای سرکوب جنبشهای مردمی به اسن و اسوی منهن ما کسب - داشته و زان اوسسی ها، با لبریاها و سخما رها را در دایم خود بپا نهاده است، فرما ندان ارتش جمهوری اسلامی چه کسب می خورند، بظهر سزاها، ساری ها، ملاحی ها... هستند و اسنان ما هسنا چه نفا و تی ما هسان اوسسی ها و با لبریاها ندا رنسد؟ سسسم و سنا ما کمپرا ارتش اسلامی چه نفا و تکفسی

با سیستم ارتش آریا مهربی دارد؟ بله - امروز کردستان را همین ارتش جمهوری اسلامی میکوبد و همین ارتش زیر هدا بت عوامل آمریکا در هشتت خا کمه و با بک سرکوبگرا نه خود را ادامه میدهد. بله کردستان را همین هشتت خا کمه مورد بیورش فرا داده است و سه خون کشیده است .

حزب توده با این واقعات عربیان را پرده پوشی میکند و هیبت خا کمه را "مظلوم" جلوه میدهد، او میکوشد با صدا انقلاب را آرایش کند و توده ها را فریب دهد . و طیفه حزب توده حفا طب از صدا انقلاب است . حال با بید بردد صدا انقلاب کیست؟ آری صدا انقلاب عسارت از امپریالیستها، رژیم جمهوری اسلامی و ابزارهای سرکوش، اوسسی ها و با لبریاها و حزب توده ... میا شند .

### فراموشکاری «حزب توده»

"حزب توده" به انقلابیون و خلق کرد تعهدت مزیند که در کنار رژیم فاشیستی عراق ایستاده اند. واقعیت چیست؟

۱ - اولاً ما ندگفت که اختلاف رژیم ایران با رژیم عراق نه بیان سفا دی عمیق و آشتی نا پذیر، بلکه اختلافی است که از موضعی ارتجاعی با نه گرفته است. و چه سا در ترا بطی نه جندان دور این دور رژیم اختلافات خود را سنگین نگذارند، حال آنکه انقلابیون و خلق کرد از موضعی انقلابی علیه رژیم حاکم میا رزه میکنند و هدف آنان تا من استقلال و آزادی ایران است .

۲ - ما سنا با صدا "فراموشکاری" حزب توده صحبت نمود! مگرنا خدی سس سس سوسال امپریالیسم شوروی و عراقی ما سبنا سس "گرم و دوسا سهای" سر فرا رسود؟ مگر حزب رومیز سوسنت عراق در بلسوم ۱۹۷۹ خود مطرح ساخت که رژیم صدا حسن سراسا "راه سدر عسرا ما بدهاری" نه راه سوسا لیسیم پیش سرود و شخص صدا حسن مرتجع فاسلت بدسرسش "سوسا لیسیم علمی" را دارد!

خطور سدیگ رژیم سیرتی در ور حزب بوده! امروزه رژیم سسسی سبندل کرده؟ آیا همین رژیم عراق در ور سرترا عی سواد؟ مسلم است که با سخ اسس سرتس مسابست . حزب توده امروز اس موضع را سگسرد در ساروا بط سس ما سندا حسن و روریزو - سسسی عراقی سگرتاب کسه و حمی روبروسیتها مورد سسگری واقع گسها اند. "حزب توده" و اسود سسنگد که مخالف رژیم عراق است ولی نا زهمد حصار سگری "فراموشکاری" سگردد و آن است که همین رژیم فاشیستی عراق توسط اربابان روسی حزب توده در حال حاضر صلح نمود، در حقیقت ارتش عراق سسنا اطلاع های سگ و سگس شوروی بجهت سگردد ، سوری در سدر سیر هه رای تک با نگاه نظامی - در ساشی مسا سدی سس تک هشت دولتی ارسوری سس بدها ز رژیم فاشیستی صدا حسن رفت .

"حزب توده" روبروسیت در سنا ما س سوارد سگوب میکند و عوام سرتسنا به رژیم عراق سسگام سدد و حال آنکه ما مطیش هسنتم فرادا که روا بط سس شوروی عراقی سرترا مرورگست، برای "حزب توده" همین رژیم فاشیستی رژیم سرتسری، ملی و سدد اسس سبندل خواهگست! ما نافع آزمندانه سرتسرا ال امپریالیسم معنار سرتسج "حزب توده" است سنا سراس می سسسم که و افما چه کسبانی در کنار رژیم ارتجاعی عراقی فرا گرفتند و فرا رگرفته اند و می سسسم که "حزب توده" چقدر فریبکاری میکند تا مرزا انقلاب و صدا انقلاب را مخدوش نما ند و از این طریق سقیه در صفحه ۱۵



نسخه از صفحه ۵

جنبشی ...

انداخته، کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده آنان را با زدا شدن و به زندان می افکند، دستگیری دهها و دهها کارگر انگلیسی، دستگیری و زدا شدن آنها و گروهی فلزکاران سرریلی و زدا شده و سیدسید به اخراج کارگران آمریکائی شواهدی از اقدامات ارتحای بیوزوازی است ولی ناگفته نماند که همین اقدامات منجر به افشای بیشتر سرمایه داران و دولت طبقاتی آنان میگردد و آگاهی و تحریر سرمایه داران را در پی میبرد.

بله، اعتصاب مدرسه انقلاب است و در این مدرسه کارگران مبارز سرخانی، همستگی و روحیه مبارزه جویانه خود را صیقل میدهند، ولی هرگز نباید فراموش کرد که مبارزات کارگران جهان سرمایه داری که امروز با دنیایی موجود گرفته تا زمانی که متنگی نه آگاهی ما را کمبستی - لیسستی نشا شد توسط حزب راستین طبقه کارگر هدایت نشود به پیروزی قطعی سر بورژوازی نائل نخواهد شد.

واقعیت اینست که امروز تشکلات کمونیستی در کشورهای سرمایه داری بسیار ضعیف بوده و فاقد نفوذ بوده ای می باشد، حال آنکه رویزیونیستها و رهمیستها عمده حشش های کارگری را مهیا کرده و مانع از آن گشته اند تا این جنبشها به تعرض طبقاتی علیه بورژوازی دست زنند. بیرواصح است تا زمانی که جنبش بین المللی طبقه کارگر خود را از حاکمیت رویزیونیستها رها ساخته است، نمی تواند راجها را - خوب مناسبات بورژوازی خارج کرده، فقط آن زمان طبقه کارگر جنبش طبقاتی او به پیروزی علیه بورژوازی دست خواهد یافت که سرمایه کمبسم - لیسبیم و حزب کمونیست اتکا داشته باشد. تنها در جنبش حال است که طبقه کارگر می تواند انقلاب کرده، بورژوازی را سرنگون ساخته و دیکتاتور پرولناریا را برپا نماید.

نسخه از صفحه ۱۳

حزب توده ...

بهترینه قریبا صد انقلاب بر سنده و فاجح "حزب توده" زمانی اوج میکبرد که مزورانه نه تنها پیشتر کسان انقلابی خلق کرد را "صد انقلاب" میخواند، بلکه همه جنبش مبارزه خلق دلاور و صد امیریا لیسب کرد را در خدمت توطئه های امیریا لیسبها مبداء و روی پایه "مردم" می سوید: "... این خلق رنج دیده که اکنون با خون فرزندان شان بهال توطئه های امیریا لیسب آمریکا را آتیا ری میکند..." (همانجا)

این نمایش عربیان بیستی و زدا لیب حزب توده است که مبارزه خلق کرد را در خدمت امیریا لیسب آمریکا و توطئه های او بشمار می آورد، خلفی که علیه رژیم خاکم و امیریا لیسبها خواسته برای خو خود - محنازی خود می حکمده، طبعی که ندرسی از فرزندان پیشتر که خود سیدریخ حمایت میکنند، بلکه از "حزب توده" خا شن مبارزه قهرمانان خلق کرد "بهال توطئه های امیریا لیسب آمریکا را آتیا ری میکند". اینست عمق خیا ننهای رویزیونیستیهای "حزب توده" یعنی کسائی که حاضر در دراه منافخ ار با سان روسی - سان و بخاطر دیروزگی در برابر ارجح حاکم کثیف ترین خیا ننهای علیه انقلاب و طبقه کارگر و خلفهای ایران انجام دهند و روشن است که "حزب توده" بر اساس ما هیبت خود جنبش میکند.

بقیه از صفحه ۲

گرایسکی ...

که ندانم با این اوضاع "متشنج" نزیان هردو خواهد بود آنان دیدند که علیه مردم کلمه تا کتیکها و ششبات، حزم توده ها بر علیه امیریا لیسب آمریکا و هشتاد کلمه شله و رسو میگردد، امیریا لیسب آمریکا می سنند که اوضاع کنونی ایران زمینه را برای نفوذ بیشتر سوسیال امیریا لیسب شوروی فراهم تر می نماید و بورژوازی حاکم میدانده که "عدم تشنج" میان ایران و آمریکا در راستای اهداف اساسی آنان قرار میگیرد پس تا فلانته آنست که با پیشه کردن سیاست عدم تشنج تقسیم بها مشود؛ در این رابطه توجه به سخنان "زهرسان جا منه سوسیالست" روشنگرو آموخته است، آنجا که دونا برروری این مسئله تا کبدمی کشند که وضع فعلی سیاست عدم تشنج بین آمریکا و شوروی را بحریمی - اندازد و این بفرر "نیروهای تزقیخواه" در جهان تمام مشود؛ آقای گرایسکی در این باره جنس می گوید:

"هرمان که از مردنها نواسه اند است نحاص پیش گیرد و برنسن های سن العلیلی سعرا بند پیروزی منبهای محروم و رنند ما راب برنخواها به مواجنا اشکالات نسری شده است و برعکس هرگاه تنش رداشی و ما هم سن المللی سبط نامه دورمای مومعنا انقلابی سطر انقلاب ایران سخر شده است."

مندا سیم که این آقایان "سوسالیست" ها همه جا هدف خود را از آتیدن به ایران "جمع آوری اطلاعات" حمانب انقلاب اسلامی ایران" در مقابل سواری و آمریکا ... سبلع کردند. وقتی الواع آنها خود را سیروی مترقی و حدا از این دو کشور نیلغ خود ندیده ساری خط "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی ایران آمده اند. آقای گرایسکی ارا زمندا رد:

"ما برای سان مانع آمریکا سنده ام - ار آمریکا مستعلم، محرم امعادی را در سبال سکرده ایم و سعی کنیم، به الیسک مرسوم ولی ار سکو هم مستعلم."

و آقای رئیس جمهور که در ظاهر از سبسال دوستان مستقل منبا شانرا از امبدا واری میکند که "کشورهای دنیا ی سوم و سیروهای سربی اروپا" یعنی همین سوسالیست ها - بیکار (میتوانند در طریق از سن شدن روحیه محاصم و مقابله با سر دندنها موثر واقع شود."

در جای دیگر آقای قطب زاده یکی دیگر از اعضای دولت و شورای انقلاب در بیا سخ خبرنگاری که کبعبست

نسخه از صفحه ۴

شاه ...

سهمی و دروغی و سرگوسی به کمونیستها خود داری نمی کنند، و سوده را علیه کمونیستها سبیح میکنند و حرکت آنها را اریبشروی بسوی نابود کردن سلطه و نفوذ دشمن اصلی ما یعنی امیریا لیسب آمریکا و سرمایه داری و اسسه منحرف کرده، البته نیز حمله را بسوی کمونیستها منوحمی سازند، سرحی آگاهان و سرحی نا آگاهان در رجهار روح سرما به انرا ترنسک امیریا لیسب آمریکا عمل می کنند (۱) و سهرس کبک (۱) - توجه کنیم به سخنان اوسنی که در هسه گذشته گفت: هدف مهم ما را فداام علیه ایران سرکوب کمونیستهاست همچنین توجه کنیم به سخنان رئیس جمهور در میسک سبرس (۱) و احرار دینیه که گفت: "نادی از سوسان بدست آمده که میگوید "نگذا رخصی کمونیست ها را بکند و ما را از دست آنان راحت کند..." (۲...)

سعرا جویا میشود چنین می گوید:

"سظرمن سعرا سار مومعنا آمسری سوده است ار لحاظ روش کردن مواع انقلاب ایران ساری ایسبا که قدرت بررگی در جهان سهند. این سرحب در ۶۸ کشور جهان عمودا رد (وار حمله اعمای آن سرحب کارگرا سرائیل، سرحب سوسال دمکرا ب آلمان، سرحب کارگرا انگلسان ... سنا سند - سبکار) و طمعنا ما ساداس ساسا سارا ادا مه دهیم و سعی کنیم که اطرطن ایسبا که نحصصهای سبرگی در دنیا سهند (منظور نحصصهای حوس و بلی سراسر آلمان، اسحاق رابن اسرائیل گرایسکی ارا طرس و ... سبکار) سبام خود را به همه جهان سراسیم، یعنی حفا سنا انقلاب را سکش همگان سراسیم که او معا حلی سبم است."

(از یکی تا سحال حزب کارگرا سرائیل و آفاسان و بلی برانف، گرایسکی و ... سبک های انقلاب سده اند!)  
و اما در همین خط و در همس رابطه و در تا سشد صحت های پیشین ما لحظه ای سحمان و اطهنا راب آقای علیرضا نوبیری رئیس کل سناک مرکزی ایران و با روهدم آقای سنی صدر در باره "خا معس الملل سوسالیست ها" و آقایان پالنه، کوزالس و گرایسکی سوجه کنیم. ایشان (سوسری) میگویند:

"۳ کشور سوئد، اطرطن و اساسا ارحمله کسورهای اروپائی سهند که از انقلاب اسلامی ایران سسائی کرده اند و در ساری ار رسه ها از حمله ما رر ما سلطه حوشی های ار سردرهای سوی و غربت ایران مواع سسری دارند."

ما فعلا سعی ارا ما هسب خا معس المللی سوسالیست ها را مورد سطر ارا داسم و بوجهی اندک بداسجه رمب، سبناط ادعا ی سوسری ها داسر سزمانزه "خا معس سوسالیست ها" علیه امیریا لیسب سسولست به سببوت سبتر ساد، ولی اگر طولانی سدن معا له تا سع سببدر اسحاق رابن سسکی این سوسالیست ها به امیریا لیسب غرب و بعضی دلالتی آنها برای آمریکا، سببسرحی می گفتیم، سنا جوان سندان خود سسپرسه ما هسب صد انقلابی و فرسنا رانه مقابله سب سهر انقلابی ایران سب سبسرده. اما آنچه که ما و دنگر سبروهای انقلابی و آگاه خلق سزیم گفته ها و ادعا های سردمداران و مشولسن رژیم مندا سیم این است که و طبعه این رهبران سوسالیست در سبانت عسادی کردن روابط ایران و آمریکا و ترسیم خا رهشائی است که امیریا لیسب در نتیجه قسام خلقهای ایران و وسقوط رژیم و اسیسه شاه تحمل کرده است.

را به امیریا لیسبها سوسا به داران و دشمنان خلقها اسحام می دهند، آنها با بدبا سبند که جلوی حرکت ساریخ راسمی سوان گرفت و تاریخ انرا با ساسی طلاست خود سنان حوا هدا د. سوده های رحمتکش سبب سحوسی اسرا در ک کببند که دشمنی با کمونیستها، سببب ردن به آنان، معنا نعت از سالیست انقلابی سبب آنها، دستگیری و محاکمه و اعدا آنان سز سببب آمریکا سببب.

آحرچرا آمریکا، اسرائیل، ساه و همه سراسا به - داران و رهمن داران سزرگ و همه سرحصین، کمو - نیستها را دشمن خود منداسد؟ آیا این ساسل فکسر نیست؟ حونا بهال کمونیستها که آمریکا، شاه و دیگر جباران تاریخ آنها را دشمنان درجه اول خود می - دانند. این خود سندی است برای حقانیت کمونیستها

## یاد شهیدان خلق عرب را گرامی بداریم!

شهر، مدهانفر از زنان و مردان زحمتکش و کودکان سیدها ع عرب را بخاک و خون کشیده و بیا دستگیر کرد. هیئتت خاکه اس کشتا ربا با زدن انها م "تجزیه طلبی" و "فدا نقلابی" به خلق زحمتکش عرب، در تبلیغات خود سرحی حلوه داد، سهما نگونه که خلق ترکمن و خلق دلاور کرد را با این عنوانها سرکوب کرده و می کشند. لازم بتذکرات که خواستهای برحق و عادلانه خلق زحمتکش عرب در جهت احقاق حقوق ملی خویش در چها رجوی ایرانی مستقل و دمکراتیک با خواستهای "حزبه طلسمانه" حاسهای مرتجع محلی فرسگهها فاطله داد و ستد بود، همجنس خواستهای عادلانه خلق عرب، از مطامع شوونیستی و ارتجاعی رژیم فاشیستی عراق که تلاش میکند، با عنوان کردن "مستقل" و دست زدن به عملیات تروریستی از طریق عنا مرفریب خورده و نا آگاه و غیره جریانات ارتجاعی اعراب ایران را تقویت نموده و مبارزه برحق خلق عرب را لوث نماید، ما هیئت و عمیقاً تفکرات دارد، مسئله ای که مورد سو استفاده رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد. خلق زحمتکش عرب ضمن اعتقاد به ضرورت حفظ وحدت صفوف رزمندگان خلقهای سر تا سر ایران برای احقاق حقوق خویش مبارزه میکنند.

با دیگر همراها کلیه کمونیستها و نقلابیون راستین میهنمان، یاد شهیدان خلق ستمدیده عرب را گرامی میداریم! شکر در بر توحیدت مبارزاتی تمام خلقها، رسته های حامیان امپریالیسم و ارتجاع داخلی ایران برکنده شود.

جنش دمکراتیک - فد امپریالیستی خلقهای تهرمان ایران شامل دساوردهای گرانبهای برای خلقهای ایران بود و خلقهای زحمتکش مادوش بدوش هم در انقلاب شکوهمند میهنمان حاضرانها کرده اند. جواستار جاکمیت خود بر سر نوشت خویش و رفع باردهها سال ستم ملی و طبقاتی از دوش خویش می باشند. اما از همان آغار بعد از واقعا دستاوردهای انقلاب، مورد سورش ارتجاع واقع گردید و خلقهای کرد، ترکمن و خلق رحمتکش عرب به موازات هم مورد سها هم کشتا رژیم عراق گردیدند. خلق رحمتکش عرب که سالهای سال در اعماق فقر و محرومیت و ستم ملی سرسوده است بعد از فاسم دستها بخا دتشکلهای خلقی خود زدن مبارزه خود را بر بستر همسنگی تمامی خلقهای ایران، برای احقاق کامل حقوق خود ادامه دهد. هیئت خاکه سه سها در بر آوردن خواستهای عادلانه خلق محروم عرب کوچکترین تلاشی نکرد بلکه از همان آغاز زنتکسل کاسون فرهنگی خلق عرب کینه و فدیت خود را با مبارزات سرحی اس خلق زحمتکش نشان داد و سها گما ردن نسما ربا هسها "مدنی" به اساس سازی حوزسان، دست به کسار رحمتکسان عرب زد. مدنی اس مپهره سرکوب رژیمها رها ان آغار از اصحاب خود، با همدستی شوخ و سران مرتجع عساربا سلطنت عوا مفرسانه و کوسی در جهت حلق خلق عرب، از هس بوطنه ای فرو کدا ر بگرد و سورا هشت خاکه در تاریخ چهار رسیه ۵۸/۳/۹ سوط ساداران سه اصطلاح انقلاب و ارتس مدخلتی ناحله به کاسون فرهنگی خلق عرب در جمهوری ساطی عرب نس اس

## توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارزان!

سارمان ما همواره با بستن ساسی و حمایت همه جامعه شما سوانسه اس اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانست دست ما برساند.

سرای اطمینان از آنکه کمکها ساس سوسط سارمان در بیا سده، عددی نکریمی، با دور نمی و ساسه رسمی (خدا کتر سه رسمی) به دلخواه سنوان "کد" اصحاب کرده و همراها حرف اول نام خود به در بیا سب کسده، کمک مالی بدهند.

سارمان "کد" اسحاسی شما را به سرت در ۱۰۰۰ ساسا ۱۰۰ و ساسا ۱۰۰ (عدد ۱۰۰۰ سراسی) "کد" نکریمی، ۱۰۰ سراسی دوریمی و ۱۰ سراسی سرت می (صرت کرده و حاصل آسرا به مبلغی که بر داح کرده اسدا فاسه سموده و همسرا ساس حرف اول نام سها در سرت "پیکار" چاپ میکنند. به اس سرت ساسا مطمئن می سوند که کمک ساسی ساس در احسار سارمان فرار گرفته اس.

مثلا اکز مبلغ سرحاسی ۲۵۰۰۰ سراسی و "کد" اسحاسی ۵۸ حرف اول نام سها "آ" ساس در سسون کمکهای مالی در بیا سده (۳۰۸۰۰۰) را ملاحظه خواهد کرد.

$$58 \times 100 = 5800$$

$$25000 + 5800 = 30800$$

### کمکهای مالی دریافت شده

|        |        |        |        |        |
|--------|--------|--------|--------|--------|
| آ      | الف    | ب      | ج      | د      |
| ۹۸۹۰   | ۳۳۲۲۰  | ۷۰۰۰   | ۲۶۰۰   | ۱۵۴۸۰  |
| ۵۲۰۰   | ۵۵۰۰   | ۱۱۱۰۰  | ۳۸۰۰   | ۱۰۷۲۰۰ |
| ک      | س      | س      | س      | س      |
| ۵۰۱۴۰۰ | ۲۴۵۰۰  | ۱۰۱۸۰۰ | ۸۲۰۰   | ۲۴۹۰   |
| الف    | الف    | الف    | الف    | الف    |
| ۲۶۰۰   | ۸۹۰۰   | ۶۹۰۰   | ۵۰۰۰   | ۲۴۸۰۰  |
| ب      | ب      | ب      | ب      | ب      |
| ۲۴۸۰۰  | ۲۴۴۰۰  | ۱۰۰۲۲۰ | ۱۲۲۰۰  | ۱۰۱۸۰۰ |
| ج      | ج      | ج      | ج      | ج      |
| ۲۴۴۰۰  | ۲۲۲۰۰  | ۱۱۳۲۰۰ | ۴۰۲۹۰۰ | ۲۲۳۰   |
| د      | د      | د      | د      | د      |
| ۱۹۸۰۰  | ۱۵۱۵۰۰ | ۱۹۸۰۰  |        |        |

این شعرا ز رفیق کارگرب - ن برای رفیق شهید احمد موهذ و تمام رفقای جان باخته در راه آزادی طبقه کارگر سوده شده اس.

### بیاد موهذ

ای ساس سراسا عا رفیاد  
ای جون بوجاری در ساسا  
ای "موهذ" آزادی  
ای رفیق  
ساس مفران دست در کلو

و مرگ  
سافوس رهایی کارگران را  
در سبده دم اعدام  
سراسا مانصدا سواورد

ای سبده سرح  
ای هموزم  
ای سار راستین برولناربا  
ای رفیق

بکدا ر بگوم  
رمانیکه سحرو سیم سا  
ساداتو  
کلوی ارتجاع را جوا هم سمر

بباید تو  
ستارگان انقلاب را خواهم درخشان  
بباید تو.

۵۹/۲/۱۵



خلق عرب فریا دمیزد: ما حاربه طلب نسسم، ما حواهان حقوق ملی خویش در چا رجوی ایرانی مستقل و دمکراتیک هستم!

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



# مواضع اخیر سازمان چریکهای فدایی خلق: تهاجم گسترده رویزیونیسم علیه مارکسیسم - لنینیسم

مقدمه:

احساسات پدیدار شده و احساسات فدایی سیستم کذبانه سرمایه داری و اینکه، این احساسات را میسر کردن و ادای آنها، است، چرا که علمبرداران زمان رهنمون سلطنت، نظام سرمایه داری و احساسات می ماند و بقاء، حسن روابط استثمارگران و باطل مستی است سبب و محرکهای انقلابی جامعه گردید. این بحرانها سرمایه را کون فروکن نکرده، بلکه از کمو

ا و نظام مکتوب سال دربار محکوم نمودن حرکت امریالسنی و تبدیل آن به انقلاب را امضا، میکند لیکن رمایی که بحران جهان امریالسنی است - می رود و حرکت امریالسنی آغاز می شود، و بعد از آن موقع سیاسی گذشته و اوروپوسیمپلیتیس به انقلاب روبروسیم کا ملا سقوط میکند. پس در این باره می نویسند:

بنیادهای انقلاب در سطح های سدما رنجی، در عرصه های گوناگون، عنصر و عوامل بوسی را بوجود می آورد، در سراسر این اوضاع محول، بحرانها و نارمانیهای سیاسی سردستخوس دکترینهای کساد سیاسی می گردید، دکترینهای کساد که سبب قطعی محقق کننده حرکت واقعی و جهت طبقاتی آنان می باشد.

اگر در روابط عادی نیروهای سیاسی میان دور صدالی می گویند نظرات ناح و مروج بیرونیایا و بورژوازی را در اندیشه های خود جمع بندی میسوزد برساند، در مقطع بحران سیاسی ناگزیر به ترک موضع سیاسی خویش می باشد. بحران جامعه و حوالا طبقاتی، آنان را بوسی استجاب جایگاه واقعی طبقاتی آن برساند، میکند، مبعوسوی طبقه آنان را بسا اثر هر زمان در کنعربان می نماید و دیدگاههای سیاسی - ایدئولوژیک سرمایه داری آشکار می کند. و در اینجا ما ریکدیگر احساسات می کنیم. پس در این خصوص می نویسد:

● پس از غلبه مشی جزئی بر سازمان چریکهای فدایی، این سازمان به موضعی ساتریتیستی و بینا بینتی در غلبه، لکن موضع بینا بینتی میان مارکسیسم - لنینیسم و رویزیونیسم نمی توانست مدتی طولانی دوام آورد. مشی جزئی را برای اساسا عرویزیونیسم و غلبه آن در سازمان هموار نمود و گرا بیش نیرومند و رویزیونیستی و در عین حال جهت دهنده موجود در سازمان، برای این زمینه مناسب و در شرایط اوج گیری مبارزه طبقاتی و زبیکز آگاهی ضد انقلاب بسوی انسانجا موسیستما تیز نمودن خود حرکت کرد.

"همه در دوران حسن بحرانهای است که گروهی جدی نیروهای احساسات برای سالهای زمان دوچی برای دهها سال معین نمود. مثلا در آلمان نمونه حسن بحرانهای جنگی سال ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ و در روسیه حوادث سال ۱۹۰۵ بود. بدون مراجعه حوادث سال ۱۹۰۵ نمیتوان به ما هند احزاب سیاسی کورمانی سرد و نمیتوان برای خود روسی نمود که فلان سازمان حزب در روسیه سرمایه داری را طبقا باسد."

(لنین - احزاب سیاسی)

علت ما هند بورژوازی هیئت خاکمه و بلاشهای حسگی با پذیران برای بارباری و رسم سیم و استمه امریالسنی و ارسوی دکردلیل عدم طرقت این سیستم بوده برای ناح سرمایه داری و بل و بر دور جدیدی از بحرانهای خاد اقتصادی - اجتماعی که کورهای امریالسنی را در گام خویش گذشته مرا با خاد سرکمه و نظور دال لکنگی سبب سبب مبارزه طبقاتی شده و خود سرحب با سراس مبارزات معنی گردیده اند.

"راه خادای حوالا برویالیا وجود دارد و آنوقت در لحظه نگاه این انقلاب آغاز میگردد و خاشانه، با لرزل، با آگاهانه و با حیا عملی از قوی العادهای سبب بورژوازی بحسن کابهای خود را برسد دارد، در حسن لحظه ای اکثریت ستوانان "توسال دمگرای" را بلان سنسهای "توسال دمگرای" و روروا مدعای "توسال دیگر" که همداستار کابهای اعمال نمود و مردسد، نه سوسال سمحایت و وریده، راه را رنداد، روسال لسم را در سن گرفته و سد بورژوازی ملی "خوسن" گردیده اند."

(وظائف بیرونی را در انقلاب ما)

در نظر حاد بحران زده، همکا مکمه ما ارد طبقاتی اوج سسری می یابد و روسوی انقلاب میکند و بدین ترتیب نظم کپن را در سوس لرزل و عدم سابی می نماید، آن نیروهای کدا بوروسیم رسیدار روسی و بندی در آسپا نمود کرده، سوساب اماده، برای خود، دروسی عان ساحه و میگویند با بورژوازی را ابرعرب ما رده طغه کا رگر و یوده ها و صرف انقلاب برهاست. در خوجه حسن بلانی اسپ کدا بوروسیم توام سدا می کد و خاد و روسیم آسکا رومدی میابد.

کفنی است که کور حسن ارنا مودرساری از مناطقی، سبب حیات بورژوازی و لرزل و سارس رهبری حسن و فهم بوده ها نسبت به اس رهبری، ساد افسی اعلائی انقلابی بودم، اما اول اس وضعیت در حاکمان سوده و سحم می خورده و سگ ما را رات دهفای و حلقها هروروا و سسری کرفب و سانا سوده ها بحب ما سراط طاب فرمای رندگی و با ارد سادان سد رنجی سوهمان، هروروسن اریس سنا پرده روی می آورد و از اس و سس انقلابی در سدا و مودون اص سدی خد و سحمی سسرد در سس اعلائی بوسی فرار کرفه است. سسد بحران انقلابی اوج کنری مبارزه طبقاتی، بطور احساسات با سدری ار کسوسب سسد ما دها و ساد صاب هیئت خاکمه گردیده و آنها را بحان یکدیگر می اندازد و ارسوی دیکر با عتالا کرفس دکرفسهای ما س هیئت خاکمه و امریالسنی آمریکا مسود، یعنی بطور خلاصه

خلاصه آنکه در سراط حوالا احساسی، در سبر و سوجه ما رده طبقاتی و در زمان که سحف آراسن برویالیا حاسا رنجی سساری می طلبد، آن سروه های کده را برای کران ساب ا بوروسیمی و روسی سروسدی می باشد، دل یکدیگر سده های بورژوازی سیده، از انقلاب هراسیده، بیرونی را سب کرده و بطور کامل سد اردوی سد انقلاب سکر سید در اس مقطع حرب آخر کفتمسود و راه قطعی احساس می گردد.

☆☆☆

بحرانهای انقلابی جامعه که در مقطعی از حرکت خود طومار رسم سلطنتی را در هم سجد، ستوان سبده

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

حیران در "ناشین" سبب سکا در "نالا" میشود، بدین ترتیب مجموعه عوامل فوق با کنونی مانع تشکیست هیئت حاکمه گشته و این عدم تشکیست همچنان ادامه خواهد یافت .

سنا برای این موضوع دنده مسود که انعکاس حدت بحران انقلابی و مبارزه طبقاتی است که بصورت تسدید تفاذهای جناحی است هیئت حاکمه خود را بصورت سست نشان داده و این جناح را علیرغم وحدت نظریه شان بر سر اساسی ترین مسائل، یعنی بازاری و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، مخالف و مدیت با انقلاب و تداوم آن و سرکوب جنبش توده‌ای، به رودروئی و مبارزه آشکارا با یکدیگر کشانده است . مبارزه‌ای که در جهت دفاع از منافع توده‌ها و تداوم انقلاب و با سرافروختن با عدم مدیت با امپریالیسم، بلکه با سارای بدست آوردن سهم بیشتر از نتایج استثمار روغارت کارگران و زمینگان کسب موضع مسلط در هیئت حاکمه، جگونی بر نامه‌های اقتصاد دی - سیاسی نحوه سرچوردن بحرانها و حل آنها سرانجام میدان عملی که هر کدام از این جناحها در چهارچوب نظام مواجسته ساری ما سورمنان امپریالیستها می خواهند، تبارز می نمایند .

مجموعه تغییر و تحولات فوق، ادامه ورود مبارزه طبقاتی، تشدید تفاذهای و منازعات درونی قدرت سیاسی، زبکزاکیا و سبب مبارکاتکنکی مداخله انقلاب از یکسو و هیئت طبقاتی حده سورژوئی و سورنونیسم حاکم برمی برخی از نیروهای چپ از سوی دیگر، برخی از این نیروها را متزلزل ساخته و در انتها رهبری حاکم بر زمان حریکهای فداشی خلق را بسوی سازش طبقاتی و روبرویونیسم کشانده است .

پس از غلبه می جزئی بر سازمان حریکهای فداشی این سازمان به موضعی سائتربستی و سینا سنی در - غلبند، لیکن موضع سینا بینی میان ما رکسیسم - لنینیسم و روبرویونیسم نمی توانست مدتی طولانی دوام آورد (۱) می جزئی راه را برای اثبات غلبه روبرویونیسم و غلبه آن در سازمان هموار نمود و گرایش نیرومند روبرویونیستی و در عین حال جهت دهنده موجود در سازمان برای زمینه مناسبات و در شرایط و ج گیری مبارزه طبقاتی و زبکزاکیا می مداخله ، بسوی انجام سیستم نیزه نمودن خود حرکت کرد .

طرح شعار "نبردنا دیکتا توری شاه" و سپس شعار "حاکمیت خلق" دفاع از دولت سازگان و اعلامیه مربوط به گردستان در هنگام حمله رژیم به خلق کرد همه و همه حکایت از تشکیک گرا بیش روبرویونیستی در درون سازمان حریکهای فداشی میکرد و در عین حال زنگ خطری بود که در سطح جنبش صدا درآ مدده بود .

این گرایش پس از اوضاع سفا را امپریالیسم آمریکا فوق العاده تسدید شد و خطر تکامل آن بمناسبت یک حریان روبرویونیستی جهت دهنده حرکت سازمان آشکار گردید، دفاع کامل از سووروی بمناسبت "کشور سوسالیستی" طرح "اروگانه سوسالیسم" ، مسکوت گذاشتن انتقادات پیشین خود از روبرویونیسم خروسیطی

(۱) - ماقبل تحولات درونی سازمان حریکهای فداشی خلق و حیران تاساسی - ابدشولوزیک مختلف موجود در این سازمان را در جزوه "جنبش سولن کمونیستی و سازمان حریکهای فداشی خلق" تحلیل کرده بودیم . رویدادهای کوسوی این سازمان ناظر بر صحت تحلیل گذشته ما می باشد .

و نائید ساسا سوسال امپریالیستی آن مانند کودتای ارجاعی در افغانستان بمناسبت "فداشی انقلابی" و اردگردن "حزب سوده" مرید در جنبش کمونیستی، ارائه نگری روبرویونیستی در خصوص اساسی ترین مسائل مربوط به انقلاب، تسدید سیاسی، هیئت حاکمه، خرده سورژوئی، ساسات ایجابا می، جنبش خلق کرد، جنبش مقاومت دانشجویی - بان، همه و همه حلقه‌های یک ربحروا حدیسی نمودهای برجسته تکامل روبرویونیستی سازمان حریکهای فداشی بود (۲)، اسرار "اروگانه" کنونی سازمان مدهد که آن گرایش نیرومند و سوت با فقه روبرویونیستی، خود را اسما محسده، شوریزه نموده و در ساراه مصولات مارکسیستی دولت و مبارزه طبقاتی به تحدید نظر دست زده است، این حریکان روبرویونیستی که در سازمان در موضع مسلط قرار

سورژوئی حاکم و بیلسنا ت گسرده و غلو آمیزه حول حلقه نظامی امپریالیسم آمریکا بصورت ارجاع از مینه ذهنی مناسبت جهت توسعه نمودن سوسال امپریالیسم سووروی (۴)، اکنون جنبش سیاسی ارجاع بر رهبری سازمان حریکهای فداشی خلق در سنی گرفته شده است و کار ۵۹" سینا گرا سکا روصرح جنبش سیاسی است .

### چگونه روبرویونیستها قدرت سیاسی حاکم را مداخلی میکنند؟

"مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است، بدون توضیح این مسئله بصورتان از هیچگونه سرکات آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری بر آن محبت کرد". (لس، قدرت دوگانه) روبرویونیسمها همواره می کوسد مسئله اساسی انقلاب را سورژوئی و بزبان برونلاریا حل

انتشار رگاره ۵۹ اکنون نشان مدهد که آن گرایش نیرومند و شدت یافتگی روبرویونیستی، خود را اسما مبخندد، شوریزه نموده و در باره مقبولات مارکسیستی دولت و مبارزه طبقاتی به تجدید نظر دست زده است. این جریان روبرویونیستی که در سازمان در موضع مسلط قرار داده تنها علیه حریکان مارکسیستی درون سازمان تعرض نموده بلکه در عرصه اجتماع نیز به آنها چم علیه مارکسیسم - لنینیسم پرداخته است، این جریان روبرویونیستی به سورژوئی خدمت میکند و پهلوتاریا را به سازش با آن میکشاند .

کسود بدین ترتیب از رهبری حریکان حاکم و انجام انقلاب احما می جلوگیری نمائند، روبرویونیسم ساسی قدرت سیاسی فداشی را رنگ آمیزی کرده و آن را نه محصول تفاذهای آشنی نا دبیر طبقاتی بلکه محصول آشنی طبقاتی فلهما می کنند و دولتپسای ارتحای را دولتپسای مافوق طبقاتی و انمنود ساخته و "وجه" ملی و فدا میرنا لست "به اثبات میسختند هدف روبرویونیسم سردن قدرت با تحکیم حاکمیت سورژوئی و مناسبت از کسب قدرت توسط برونلاریا است، روبرویونیسم، اسکا به ما رمانتا رسم، بذیرش فوانین سورژوئی، صلح با سورژوئی و نئی انقلاب را تبلیغ میکنند و علیرغم شورپسای مداخلی و ب، مضمون واحدی را که همانا سازش طبقاتی است، اثبات میده، بقول لنینس مضمون ابورویونیسم و روبرویونیسم عا رسا :

"همکاری طبقاتی، استتک از دیکتا توری برونلاریا، اسکا ف ا رعسنا ت انقلابی، ساسا می بدون تسدوسط تواس سورژوئی، بی اعتمادی نسبت به برونلاریا و اعتماده

(۴) - بدون سکا با توسعه مناسبات طبقاتی و ملی و ناه توجه به عدم سست هیئت حاکمه کنونی در حالت نظامی و کودتا از جانب امپریالیسم آمریکا در ایران منتفی سست، لیکن در شرایط کوسنی حاصه و با توجه به مجموعه سراسر عینی و ذهنی موجود در حالت مستقیم امپریالیسم آمریکا تسدید نظر میسر و هر آینه آمریکا به جنبش فداشی و زکارانه‌ای دست زده، توده‌های ملسوسی خلق، و سنا مدگری برپا خواهد کرد، اما روبرویونیستی مرن در حرت توده همچنابا هیئت حاکمه برای فرونشان مناسبات طبقاتی توده‌ها و "فدا میرنا لست" نشان دادن رژیم حاکم، اسکا تنها چم سسما؛ میرنا لست آمریکا را در حال حاضر سررگتر از آنچه که هست می نشانیانند .

دارند تنها علیه حریکان مارکسیستی درون سازمان تعرض نموده، بلکه در عرصه اجتماع نیز به آنها چم علیه مارکسیسم - لنینیسم پرداخته است، این حریکان روبرویونیستی به سورژوئی خدمت میکند و پهلوتاریا را سازش با آن می کشاند، این حریکان روبرویونیستی به سوسالیسم علمی حمله کرده و دفاع از سوسال - امپریالیسم روسیه سلسده است (۳) .

مداخله نیم که هر اساز انقلاب سوده‌ها و حدیست و مداخلی سورژوئی از علائم مشخصه روبرویونیسم است، سیاسی که روبرویونیستیهای خروسیطی - سررتمی و شتبع آنها روبرویونیستیها "حزب سوده" در رانده انقلاب و فدا انقلاب در ایران در سبب گرفته اند عبا ر ب بود؛ زکوش برای تشکیست هیئت حاکمه مداخلی کنوسی جلوگیری از وجگری انقلاب توده‌ها، حمله آشکار علیه کمونیستیهای راستین، کارگران، زمینگان و خلقها، کوسن جهت سازش کشانند طبقاتی را رگرسا

(۲) - سازمان ما سلا سر تکاملی حرکت روبرویونیستی سازمان حریکهای فداشی را تشکیب نموده و طی مقالاتی چندمواضع روبرویونیستی این سازمان را مورد انتقاد قرار داده بود: "اروزدفاع شرمگسنا به فردا...؟! (پیکار ۴۱)، "سازمان حریکهای فداشی خلق و مسئله قدرت سیاسی حاکم" (مجمیبه سیکا ر ۴۲)، "سیاست انتحالی سازمان حریکهای فداشی خلق: جلوه‌ای از انحراف روبرویونیستی" (مجمیبه سیکا ر ۴۸ و ۴۹)، "توقفه سفا دا خنگاها و مواضع سازمانهای سیاسی (سازمان ماهدین خلق و سازمان حریکهای فداشی خلق)" (مجمیبه سیکا ر ۵۲) .

(۳) - سی سبب نیست که حزب سوده‌ها شن در ارگان فدا انقلابی خود بیتا ربخ ۴ خرداد ۵۹ صحت از "تفسیری مثبت و امیدبخش در موضع سازمان حریکهای فداشی خلق" میکنند .

بورژوازی" (اوریوسیم وورنگست...  
ایرانیستونال دوم)  
روبرویونستم حواها ان انقلاب نستم ، روزیو-  
نسم اعتقاد است که راه صلح و سازش ، صحت ندارد  
طبقاتی و کسب آرا های ارطام حاکم میسوان مردم  
را به وضاع کم و بیس نیودنا صهر همون صاحب و  
امورسارمان حرکتی ای فدائی در صحت خاکمست  
بورژوازی صاحب ار "ملح عادلانه" منکند و هشت  
خاکمه را "مدا میرا لیسنا" و امیرا لیسما "صد  
هشت خاکمه" (۵) فلحداد منکند و به حمایت آسکار  
ار قدر ساسی حاکم برمی حزد .

### چگونه سازمان چریکهای فدایی از بورژوازی حمایت میکند؟

حربان راست حاکم بر سارمان حرکتی فدائی  
در مداحی ار قدر ساسی موجود میسود :  
" امیرا لیسما آمریکا با نکه بر طبقه سرما نه دار  
انرا ن و نیکم انادی خود و سنگدهای حاسوسی  
"درسی نموسا" روحه بارماندن ان روساسی  
طبقه سرما نه دار انرا ن ، رسندا انرا ن سرک و  
فرماندها ن آمریکائی و ارسنی و هرا انرا ن و اکی  
مساند ."

ولی سن در نمی ناهه امیرا لیسما که همان طبقه  
سرمانه دار راست میسود :  
" امیرا لیسما آمریکا ... نه ان منکند رسنده است  
که سنا با سربکوسی حکومت کنوسی و روی کار  
آوردن عامتری مثل بحسار و بر نه و اما لیسما  
و با بقدرت رساندن فرماندها ن نظامی میواند  
ساستیای خود را در انرا ن دنبال کند و هدف خود  
را که منکند گماندن سرکوب حسی طبقی ما  
است نه سن سرد ، انورکا ملائکا راست که  
بلان امیرا لیسما آمریکا برای تحمل سنگ  
ساست معنی سوط پیتردهای خود در دورن  
حاکمست با نیکس روزیوسه است ، انرا نرو در  
سراط کنوسی چپ گیری عمده امیرا لیسما  
اعمال نما رهائی اریرو است " (کار ۵۹  
صفحه ۲ - ناکند ارماست )

نسیم انرا ن نظروا معتب دارد ؟  
هگا منکند هشت خاکمه با سما نتوا و ار همان روز  
اول برای بارباری و برسم نسیم سرمایسه داری  
وانسینه امیرا لیسما کیوسه ، ندون سردند ارما ن  
سوهها و ارارها منحلده انقاداب مذهبی بودهها  
رای رسم ماسن دولتی و سوره ارکان سرکوب  
نا معراسخوان وانسنا ان معنی ارسن اسفاد ده  
منکند ، همه سروی حوسن را رای سرکوب و ملامتی

(۵) - منظوریای خود هر کوبه نهادمان هشت خاکمه  
و بخصوص جناحی از آن نا امیرا لیسما آمریکا نستم ،  
سادی که او معتب هم دارد ، بلکه منظوریای حطس  
میرتسا نه و صدا امیرا لیسما این صا دو عملکردن در  
حار حوب فدا انقلاب جیانی است .

کردن جنس انقلابی دیگر است - خدا امیرا لیسما  
توده های نحت سمسج کرده و نیکار می کیرد ، سا  
سما می انگان با مادی و معنوی و اعمال نما ر همه  
حاسبه نیکارگان و رحمتگان ار سرما نه داران دفاع  
میکنند ، با سرکوب دهقانان و خطوکسری ار مصا دره  
اراضی ارزمنندا انرا ن سرک و خاسیای مرصع حمایت  
کرده و انرا ن بر علیه دهقانان صلح منکند ، طبقیای  
دلاور کرد ، سرکس ، عرب و ... را و حاسبه سرکوب کرده  
و نایحک انرا رهای صاحب امیرا لیسما خاک و خون  
می کند و حسی کودگان سارا ان کسنا و در اما ن  
سما ماسند ، بر علیه سوهدهای سمدیده که برای دست  
آوردن اسنادائی برین حواس خود سنا حاسبه اسند  
فرمان "چپا د" مدهد (برما می که سر علیه ما حانس  
سربدا ددهود) و ... و ... آنا همه سنا نه معنی و حدت  
نظراسی هشت خاکمه با امیرا لیسما و رحمله

سبحنا انقلابی نمی ناسدا بددند که ان اختلاف ،  
بر حاسته رکدا مفاصع طبقی و در حیطه کد ام هد ف  
طبقی قرار دارد .  
سارمان حرکتیای فدائی خلق در تحلیل خود ،  
حکومت را "صدا میرا لیسنا" و اسود سنا حبه ، طبقه  
سرمانه داران را اسنا رسوده و در عس حال و سنگزیر  
این طبقه را "صدا میرا لیسنا" رزبا بی کرده و به این  
حار حرکت امیرا لیسما در دورن انرا ن نه بن بست  
رسنده حله میدهد ، سطر رهبری سا زمان حرکتی فقط  
امیرا لیسما آمریکا در خارج از مرزها و عتا سر مزدوری  
حد در دحل هسند که درسی سرکوب جنس خلق میساند  
سظراس حرمان طبقه سرما نه دار انرا ن و دولسب  
طبقی او درسی سرکوب رحمتگان نستمند ، انرا ن  
"مظلوما می" سنا سده که با سد مور حمایت فرار گیرند  
همان دندگا هی که بصورت دمیسرو نیکا مل ناسه تتر

● بنظر رهبری سا زمان چریکها فقط امیرا لیسما آمریکا در خارج از مرزها و  
عنا سر مزدوری چند در دحل هسند که درسی سرکوب جنس خلق میباشند .  
بنظرا بن جریان طبقه سرما نه دار انرا ن و دولت طبقی او درسی سرکوب  
زحمتگان نستمند ، انرا ن "مظلوما می" میباشند که با سد مور حمایت قرار  
گیرند ، همان دیدگا هی که بصورت دقیقتر و نیکا مل یا فته تر و ریزیونیستیای  
حزب توده و "سهجانی" را شه می دهند .

روبرویوسب های حرب سوده و "سهجانی" را انسه  
مندهد ، انرا نه آنا سوسی بورژوازی و نه وصا طه  
- کری دولت حاکم را می سنا سند ، انرا ن دولتی  
اسنا رگرو حاسبکار را "ملی و صدا میرا لیسنا"  
معرفی نموده و درسی تربت سودهها می باشد .  
حال حربان حاکم بر سارمان حرکتی سز همسن  
حط را دنبال منکند و بورژوازی را صبا به سنا  
امیرا لیسما در جهت معود و غارت و سنگری معنی  
کرده و ما هب طبقی دولت حاکم را منکوب می -  
کدارد ، ما می برسم در هشت خاکمه انرا ن کد ام طبقه  
اجتماعی اعمال هر میس منکند ؟ ما می برسم حکومت  
حاکم سنا سده کد ام طبقه اجتماعی است و ان حکومت  
حفظتی را سرکوب منکند ؟ ما می برسم اس حکومت  
ار کد ام سوده سولندی ساداری منکند ؟ و انرا در جهت  
بسی مسایب و انسکی حرکت کرده است یا نه ؟

مگر نه اینکه طبقه منط در انرا ن بورژوازی است  
که مدافع نسیم سرما نه داری موجودیاست - دار  
مسایب و انسکی است ؟ مگر نه اینکه دولت طبقی  
حاکم سوسه و سوسه طبقه کارگر ، رحمتگان سیروده  
و انعلاسون را سرکوب کرده است ؟ مگر نه اینکه  
حکومت کنوسی بطور همه جا سینه سرما نه داران سدد  
سوده ، سنا سب تمومی در حال سرما نه کد ام رپسای  
امیرا لیسما اسناد کرده و خود کد ام سال نشسودی  
امیرا لیسما سوده است ؟

رهبری سارمان حرکتیای فدائی منکود کد ام نال  
سودا امیرا لیسما فقط نه حصد "میره" خلاصه کرده و  
طبقه کارگر سودهها را صبا سنا از مجموعه هسب  
حاکمه سوق دهد ، انرا ن منکود انعلا سب  
هشت خاکمه و امیرا لیسما مضمونی آسنا سنا سدر

امیرا لیسما آمریکا در حیا ر حوب صدا انقلاب جیانی  
نستم ؟ آنا حسی کارمانه ای سنا نمیده که هشت  
حاکمه در دحل با انقلاب و سدا و ان و در سرکوب  
حسی در حال اوج مدا میرا لیسما - مدرمانه داری  
واسند و سروهای انقلابی دارای هم جویانی اسای  
با امیرا لیسما آمریکا است ؟ و نا لاجره انرا ن سنا سنا  
و عملکردها در حصد امیرا لیسما و منطقی با صلح  
ان سست ؟

حربان حاکم بر سارمان حرکتیای فدائی آنا کارا  
دست نه در حریف روبرویوسب سبرند ، ا و حسی و معود  
سنا رده که حکومت کنوسی حکومتی مدا میرا لیسما  
است و انرا ن لحاظ امیرا لیسما درسی "سربکوسی"  
ا و مساند ، حسی درکی هس معنی دیگری ندا ر در  
انگه رظراس سارمان طبقه اجتماعی ملط طبقه  
- ای "مدا میرا لیسنا" می ساند .  
نه حددلیل ؟ ندان دلیل روس که ر طبقه  
نظرا ر کسسی هر دولتی سنا سده یک طبقه معس  
اجتماعی است ، ما هب دولت و قدر ساسی حاکم  
را طبقه معسما با طبقه اجتماعی ملط دارد . هسج  
دولت "ما ورا" طبقی" و "سنا ملطی" خود ندا ر .  
هر دولت ارکان حاکمست و انرا سرکوب یک طبقه  
سوط طبقه دیگر است . در انرا ن ما سنا سب که  
سوروازی طبقه منط را سکیل مندهد ، ما سنا نسیم  
که ما سن دولتی حاکم ارکان سنا دت بورژوازی انرا ن  
و مدافع نسیم سرما نه داری وانسنا می ساد و نا لاجره  
ما سنا نسیم که سوروازی حاکم سب جو صده امیرا لیسنا  
سوده و با صلح دولت طبقی او سز هرگز نمیتواند  
صدا میرا لیسنا سنا ، انرا نظرا ر کسسی هرا حلاف  
با امیرا لیسما سنا مفاصع مدا میرا لیسما و

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران



را از اسما روزنجای زمینی سوی سلطان سزک  
البته در ما و راه مررها معظوب کند. آنچه "آیة الله  
حمیدی" میگوید اینست که سوخته‌ها را از رتبه‌های  
اطلی داخلی که امیرالاسما بدان نکرده می‌کنند  
مخوف سازد.

ما نمی‌گوئیم لایحه‌های معضنی حون حسا رها و  
سزها بیشتر سوخته‌ها سا نده سو دو با امیرالاسم  
بمی‌خواهد سرحال سنوان یک سزک در معاطی ار  
آنا ن استفا ده نکند، ما نمی‌گوئیم نجا معضا می  
امیرالاسم آمریکا در سراط کمونی سطور مطلق ویا  
سرای همینه منتفی است، اما ما رده صا امیرالاسمی  
را سنوان دادن حسا سکا رای که سو سو ده‌ها در عمل  
روس ترین سا سجا ی خوسی را در روید سار ره طبقاتی  
- سا ن بدان ن داده اند. محدود سنوان، سحر سفا  
آسکا رو یزیونیستی است. اس عمل سنی سسه  
انحراف کسندن سمت اصلی سزها سزها طبقاتی و صد  
امیرالاسمی سو ده‌ها، سا ن دادن سزها علی‌سسه  
لایحه‌های از سطر ساسی مرده‌ای حون سا و سحنا ر و  
سزها سنوان یک سزها سزها معنا ر صا امیرالاسمی  
وسیا ن کردن آن سیمی که امیرالاسم سزها سزها  
می‌کنند یعنی سزها سزها رای واسه سوا سس دولتی  
مذا فق آن سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
انقلاب سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
با لاسم را اس سنوان یک سزها سزها سزها سزها  
گرفته ویا یک سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
که سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
اس "سزها سزها" می‌سند، سا سزها سزها سزها سزها  
این "سزها سزها" توسط هیئت حاکمه و آیت‌الله حمیدی  
مخلو می‌رود، دیدگا هی که سا سزها سزها سزها سزها  
امیرالاسم را می‌سوا سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
را از سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
رو یزیونیستی اس و عطا حسین سزها سزها سزها سزها  
خدمت می‌کند، دیدگا هی که تحت سزها سزها سزها سزها  
امیرالاسم سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
و قدرت سیاسی آن را عطا از خدمت سزها سزها سزها سزها  
سنوان سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

رهبری سارمان چریکهای فدائی درسی سحا ب  
بوروزاری و قدرت طبقاتی او از ضرب مبارزه طبقاتی  
توده‌ها ست، او با "فدا امیرالاسم" سنوان دادن کسان  
که سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
در پی سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سوزوزاری است.

## سازش طبقاتی و نفی انقلاب

رهبری سارمان چریکهای فدائی سارمان سزها سزها  
جمهوری اسلامی، با حمایت از هیئت حاکمه کسوسی، با  
قبول "رهبری آیت‌الله خمینی" هیچ راه دیگری  
ندا ر دجا سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
بر سوا این خطی است که رو یزیونیستی آنرا سزها سزها  
می‌کنند. سنوان سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
هیئت حاکمه "سوزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سنوان سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

امیرالاسم جهانی را به لرزه در آورده است، معنای  
دیگری سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
کا رگرو سس اساسی او در انقلاب سزها سزها سزها سزها  
امیرالاسمی سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
بوروزاری سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
"لرزه در آورده است"، سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
می‌ماند؟ سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
کا رگرو می‌ماند؟ سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
دیگرالاسم سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

دا سس سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
حاکمه سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
و حدت سا همه سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
و حدی سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
فدائی سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

● البته ممکن است سازمان چریکهای فدائی اعتراض کند که ما "طبقه  
سرما یه‌دار" را پیکار می‌کنیم، ما نیز در زیر به این اعتراض پاسخ می‌گوئیم: سازمان چریکها  
در سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
میدانند و معتقد است که امیرالاسم آمریکا از طریق این تکیه‌ها و نیز "به  
کمک ایادی و شبکه‌های جاسوسی خود" به اشکال مختلف در حال انجام  
فعلیاتها و اقدامات فدا نقلی است (که این اقدامات را برمی شمرد).  
اما آنها نمی‌خواهند توضیح دهند که این "طبقه سرما یه‌دار" چگونه عمل  
می‌کند، نما بیندگان سیاسی آنها کدا مند و چرا بطه‌ای میان این "طبقه  
سرما یه‌دار" با قدرت سیاسی حاکم و به بیان دیگر بورژوازی حاکم وجود دارد؟

## توسعه و تکامل انقلاب و هراس رو یزیونیستی

سارمان، ادا سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
ادا سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

"... و اس در حالی است که محافل جنگ افروز و  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها  
سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها سزها

## رو یزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



## رویزونیسم: نفی مبارزه طبقاتی و انقلاب

از آنها درجهت پیروزی انقلاب استفاده کنند، نه اینکه فقط این نفاذها را ببینند و عده کردن آنها درمقدار تطهیر هیئت حاکمه و منحرف کردن جهت ضربه اصلی انقلاب باشد.

اما دستگاه رویزونیستی که چشم به فرموده داشته است، از تمام امکانات خوب بهره منگیرد تا به فروکش کردن بحران کمک کند، تا با مصون داشتن قدرت سیاسی از ضربات مبارزه توده ها، به اصلاحات مورد نظرش که هرگاه جنبش توده های بمبارتیبیش از آن را بکفی می آورد، دست یابد. حاکمین نظریه های رویزونیستی که ارتجیس توده ها و حجت زده شده اند، با محرکت این جنبش فراموشان از "حب روی و آنا رشیسم" بعرض میرسد و مسکوشند با نرساندن توده ها از انقلاب، آنها را پس کسبه و رژیم را تثبیت کنند و

رویزونیسم متنا به یک جریان اندولوژیک بورژواشی دارای یک سیستم نظری معین میباشد و دستگاه رویزونیستی حاکم بر یک سازمان در تمام عرصه های عملی و نظری خود را بنمایش میگذارد. هماتصور که دیدیم سیدنگران رویزونیستی و تکامل آن به جریان رویزونیستی در سازمان حرکتی های فداشی خلق نمی توانست در اساسی ترین مواضع این سازمان انعکاس نیابد. حال انعکاس این دستگاه را در رابطه با بحران انقلابی حاکمه و مبارزه طبقاتی، موضح مینویسند. منتهای مانده نمود.

تحقق طرح آمیز مطالب خلق کرد و ضرورت کویس برای بانان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و ناکند کرد که امکان حل طرح آمیز بحران کردستان وجود دارد و با بد از جنبش امکانی بسیریس بهره گیری را کرد. رئیس جمهور سابق انتخاب داریوس فروهر برای مذاکرات صلح کردستان کامعطلی مبتنی بطلویرداست. فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه رنجیده و آگاهی سیاسی و تاریخی برخوردار است که این را درک کند که بحران کردستان به هیچ روای راه نظامی حل نخواهد شد (کا ر ۵۹ - تاکدازماست)

لبیس می گفت رویزونیستها به ضرورتی را عتقاد دارند، در حالیکه نسبت به رولنا را بی - اعتمادی با ساند. سانس طبقاتی را اصول دارند، در حالیکه مبارزه طبقاتی و انقلاب را نفی میکنند. امروز جریان رویزونیستی حاکم بر سازمان حرکتی سزمهین می رادرتش گرفته است، اربطرا - جریان سرکوب خرد ما همدولت بورژوازی نیست و این طبقه یا هیئت "ملح طلب" تنها در حالیکه جنگ - امروز ارتجایی خروما هست نیروهای خط مبارز و رهروان پرولنار ما ساند سازمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر، کولمیدو... مناسد! باید از رویزونیسم و بورژوسیسم آکنده بود ما "تحقق طرح - آمیز مطالب خلقی کرد" تحت حاکمیت بورژوازی را سلسخ نمود، بورژوازی را از هر جناحی مبره ساجح و مبرمان نیروهای انقلاب با نیروهای فدا انقلاب ما ساندلسرا لیا را محدود نمود، سبها کانی جنبش می کنند که به رولنا راست کرد و به حقیقه بورژوازی روی آورده اند.

رهبری جریکهای فداشی میگوید: "نیروها و عناصری که با حرکات جب روانه خود عملا در کنار ما میرا نسیم قرار گرفته و بزرگترین مریات را به محس میهن ما وارد میزند، می - کوشند تا جنبش را با نجراف کنند" (کا ر ۵۹) پس زنده با دیورژوازی "ملح طلب" ، زنده با دحناح "فدا میرا لبست هشت حاکمه" که مبرازات مردم را هدایت میکنند و امیرا نسیم را "لسرزه" انداخته است!

می بینیم چگونه رویزونیستها که طبعاً با ما لامل از عشق و اعتماد به بورژوازی و مخالفت نسبت به انقلاب است، جانان بورژوازی و دولت طبقاتی او را با برده ریش می نوسانند، می سبیم که رویزونیستها چگونه آب تطهیر بر سر بورژوازی می ریزند، او را "فدا میرا لبست" و "ملح طلب" معرفی می کنند، قتل عام توده ها را توسط دولت بورژوازی نفی میکنند و بدین ترتیب جاده سازش طبقاتی را ماف میکنند. می بینیم که رویزونیستها چگونه دولت بورژوازی را سنا به حنا و سرکوب سرمایه داران علیه طبقه کارگر و سرتوده های کرده و برای کسب امتیازاتی حندا بورژوازی وحزبن در "بالا" آنگارا مارکسزم را بحریف می کنند.

● جالب است که سازمان جریکهای فداشی حتی دیگر از مبارزه با "حاکم فسل لیبرال درون هیئت حاکمه" که تا دیروز آنحنان بر آن پای میفشرد و مبرز خود را با دیگران بر سر این مبارزه تعیین میکرد، بفراموشی سرده است و این مبارزه را بسکوت برگزای میکنند. آنحنان رویزونیسم ریسده و آکنده که اکنون رهبری سازمان جریکهای فداشی همه جناحهای هیئت حاکمه را از جمله بورژوازی را که تا دیروز آنحنان بر سر مبارزه خود با آن تا کید میکرد به وحدت بخاطر "مبارزه با امپریالیسم" زیر پرچم "امام" فرا میخوانند.

اینجا است که به حقیقت دیگری از سیستم رویزونیستی ارائه شده توسط جریان مسلط فداشی ما میرسیم. این جریان با ارائه برنامه های چند میکوسد به تثبیت رژیم کمک کند تا رژیم "فدا میرا لبست" بنویسد تا حیا ل آسوده به "مبارزه با امپریالیسم" ادا مدهد تا با زم "پیروزیهای چشمگیر" دیگری که فقط چند نمونه اش را در سطور پیشین بر سر دیدیم، بدست آورد، بر ما منسب رژیم که توسط این جریان رویزونیستی ارائه شده تا مل دویخن اساسی است:

### الف - تشنج زدایی

زیر بنای این قسمت بدینصورت فرموله میشود که: "مخالف جنگ افروزر و سرکوبگردان هیئت حاکمه... هنوز به عمل جنگ افروزان ضد دمکراشک خود ادامه میدهند و درست در برابرین مخالف جریانات انحرافی بجنب جنبش کومنیستی ولیبیرا لیا روز بروز بیستریه اعمال آنارشیستی و سارهای سرنگونی کشنده میشوند... و اگر این وضع بدین منوال پیش رود، طوفان فدا میرا لبستی نیستی نوده ها چنان تضعیف میشود و تشنج درگیری و حونت میان مردم چنان با لامبگیرد که تشبیها چنان با بدبیر آن قدرت گرفتن جبهه فدا انقلاب و بقدرت رسیدن حکومت دست نشاند امپریالیسم آمریکا است" (کا ر ۵۹ - صحه ۲) این جریان س از جنبش زمبده جینی هاشی، نیروهای کومنیست و مبارزی را که در مقابل رژیم ایستا دگی کرده و با مقاومت حویس آنها بیش از پیش

نقطه حرکت خط موی مارکسیستی از اینجا است که چون بدون با بودی نسیم سرما به داری و اسه سبه امیرا لبست و قطع و اسبکی و لاجرم سرنگونی قدرت سیاسی مدافع این سیستم بتوان هدف استراتژیک انقلاب و مدبر رسدن نوده های خلق بر رهبری رولنا را، هیچگونه مکانی برای رهاشی کارگران و زحمتکسان از فید سردگی و شرایط طاقت فرمای حاکم وجود ندارد، سنا بر این با دید پیش رفت و از موضع مبارزه طبقاتی نفاذهای طبقاتی ای را که زائید ه همین سیستم هستند دست بخشید تا بتوان با تکیه بر مبارزه و اح گیرنده نوده ها و سازماندهی و تشکل آنان و نامین رهبری رولنا را بر جنبش و تحقق امسر انقلاب دمکراشک به رهبری رولنا در جهت نفی مالکیت خصوصی و سوه تولید بورژواشی و سانسبع رهاشی کارگران و زحمتکشان حرکت کرد. بدون نسک این خط می مینتی بر قانوشندی متین مبارزه طبقاتی و ملی است، لذا در عین حال با آن دستگاهی که از یک موقع و بطور زودرس به تعارض قطعی و نفاشی را بیس از موقع و بطور زودرس به تعارض قطعی و نفاشی بکشا ندوبا تمایل دارد که در شرایط گنوتی سبب سلامت آمیز تکامل انقلاب و مبارزه طبقاتی را در بخش غالب جنبش خلق، نا دیده انگار دوبا تمایلات آوا نسورستی خود را جانسین سطح واقعی مبارزه طبقاتی در عین خط می ناکبتگی خود میسازد، مرز بندی روس و فاطمی دارد، همچنین این خط منی از نفاذهای درونی هشت حاکمه و نفاذ میان آنها و امیرا لبست آمریکا نیز چشمپوشی نمکند، و لیبسی نوحیث به این نفاذها فقط در آن حدی است که بتواند

## پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

افشا کرده و بهرمانا هتودها های آکا هبر علیه آن مبارزه می کنند به "چپ روی و آنا و شسیم"، "خیانت به جنبش فدا میریاییستی" و "درگنا را میریاییسم قرا رگرفتن" متهم نموده و (بی محابا) آنها را درگنا ر "جنا پتکار" می گذارد. ما مجدداً به نوشته خود آنها استناد می کنیم نشریه کا رمی نویسد:

"... آنها که با چپ روی ها و حرکات آن رئیسیتی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش فدا میریاییستی خلق ما روا میدارند و زنده رند و زنده رندگرا یما ت ضد دمگرا تیک و جنگ افروزانه جنا حیاتی از حکومت را فرا هم میکنند... جنا پتکارانی که دستسور گشتا ردا نشجویان زندانی را می دهند و با ندهای سیا هار رهبری میکنند... نیروها و عناصری که با حرکات چپ روا نه خود عملاً درگنا را میریاییسم قرا رگرفته و بزرگترین غرباب را به جنبش میهن ما وارد می سازند..." (کا ر ۵۹ صفحه ۲) و "روزها ی سرنوشت ساز در پیش دارم، روزها یی که هر نیروی ترقیخواه و فدا میریاییستی و هر کسی که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد با دیدن احساس مسئولیت کا مل و بدورا زهرگوشه نا تکبیلی و داریبهای عجولانه به استقبال آن برود و گرنه نمیتواند اشتباهاتی متکیب سودکه تا ریخ از آن به عنوان خیانت یا دخا هد کرد..." (کا ر ۵۹ صفحه ۲- تا کیدا زما ست) و "وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز... بیاندیشیم... بیش از پیش درمی یابیم که هر اشتهای نیرو- های ترقیخواه سیا ه می که بر سیکرا یین جنبش خراش وارد میکنند چه بسا دخیانت آمیزی بحود می گیرند" (کا ر ۵۹ صفحه ۱) و با لخره ارگان این سازمان با "مسئولیت عظیم" برای همکاری با هیئت حا کمه یین احکا مرا ما در میبندند که "با بد همه سلاحها و قلمها بسوی امیربالیسم آمریکا و متحدان دا خلقی نشا نه رود" (کا ر ۵۹ صفحه ۲) (که البته این متحدان دا خلقی در پرده های از تنا قض گوئی ها و کلی با فبیا استتا رنده و سپس به مشتکی جاسوس و با ندهای سیا ه ختم میگردد) و "... ارگان با دیدن افزایش تولید و بهره وری کار، مانع تبلیغات نقا ق افکنانه دشمنان خود شوند" (۸)، (کا ر ۵۹ صفحه ۶- تا کیدا زما ست) که خلاصه یین احکا م چنین میشود "افزایش تولید"، کاهش

"تنج" و سراجا دست کسیدن از مبارزه نه تنها برای بدست آوردن حقوق ابتدائی خود، بلکه همچنین برای تحقق انقلاب، حال بدنیت که برده جمله با فی - های یک بینس روییونیستی کا مل را کنار بزنیم تا ببینیم واقعبیت چیست؟

واقعبیت اینست که روبنا ی سیا سی سرما به داری وابسته، چیزی نمی توانند با دمگردد گشتا سوری آشکار و عربیان، که هر حرکتی در جهت تا من حتی جز کوچک از خواسته های زحمتکشان را با بندت سرکوب کند، چرا که

مبارزه آنها از تا کبکیهای رفرمیستی نیز استفا ده میکند، فقط میتوانند برای رویونیست هاد ستاوبری برای انحاد با "جنا ح" ما قلمرو دورا ندیش تر "هشت حا کمه و نوجه خیانتان ها مرا انقلاب با سدوجو د با ندهای سا ه نیز امری باره ننوده و اولین نارنیست که استما رگران برای سرکوب بوده ها از جنبش مزدورانی استفا ده میکنند. تجربه ساری از گشورا و انقلابها وجود جنبش دا رود ستها یی را نشان میدهد: با ندهای سا ه استولنیستی، دسجا ب سیرا هن قپوهای

● ما می برسیم که رگران در زیر سلطه بورژوازی برای چه دست به افزایش تولید بزنند؟ که بیشتر استما رشوند؟ که نرخ سود بورژوازی افزایش یابد؟ برای چه از مبارزه دست کسیده و به بحران انقلابی خاتمه دهند؟ که به تثبیت بورژوازی ارتجاعی کمک نماید؟ برای چه با پیداست از اعتماد و تحمسن برای گرفتن جز نا چیزی از حقوق خود دست بکشند؟ برای حد این "مدرسه انقلاب" را تعطیل کنند؟ که با تحکیم رژیم حا کم بیسترو بیسترو سرکوب شوند؟ که مرگ تدریجی خود را تدا وم بکشند؟ سکی نیست که تمام رویونیستهای سیا که بداند من بورژوازی پنا ه برده اندور رهبری سازمان حریکهای فدائی برای این سئوالا ت با سخها ی آماده های دارند، ما در اینهم سکی نیست که با سخها چیزی جز ابزاری جدید برای فریب کارگران و بیمنظور قربانی کردن آنان در آستان بورژوازی نیست.

بدون این دیکتا توری اساس سرما به داری وابسته و ادا مه حیا ت آن هر لحظه در معرض خطر حدی قرار می گیرد، چرا که دست استما رگا رگران و مسارهای وارده بر ما برافشا ر حلقی کوچکترین امگانی برای بقا سرما به داری وابسته بدون دیکتا توری و سرکوب بانی نمی گذارد و در این مورد تجربه رژیم گدسند سیرا نی دلیل است. این دیکتا سوری و در دسودا شمی بودن سرکوب چیزی نسبت بگرلوزوم تظاسق روستای اسن سیستمنا زیربنا ی خاص خود و بنا سربا ی اس مسئله که درگنا رتا کتیک اطالی سرکوب، تا کتیکهای رفرمیستی هم کمپوسین بکا رود، نا سیری در اصل قضیه تدا رد، چرا که رفرمیها ی فدا انقلابی نیز، زمانیکه مبارزه توده ها در اعتلا و بسا رفا ترا از این رفرمیها طی طریق میکنند، چیزی نیست جز تکلی از سرکوب مبارزه انقلابی توده ها. قدرت سیا سی حا کم در حتمس سیستمی برای دفاع و حفاظت از موجودیت سیستم و طبقات واقفاری که در این سیستم در خدمت آنان است، وجود این قدرت سیا سی نیز بعنوان مدافع آن خدمت میکند، چاره ای جز سرکوب کارگران و زحمتکشان ندا رد و طبیعی است که اینان نیز برای نجات خویش و دفاع از موجودیت خود چاره ای جز مبارزه با قدرت سیا سی حا کم و نا سودی اس مناسبات ستیگرانه و استثماری نخواهند داشت. هشت حا کمه فعلی نیز بنا به ما هست و سیا ستها و عملگردها س خارج از اس قاعده نبوده و نخواهد بود و این مسئله که جناحی از آن فقط برتا کتیک سرکوب اصرا رمی بورژوا حنا ح دیگر ضمن قبول و اجرای تا کتیک سرکوب بعنوان تا کتیک اصلی، برای تخمین سیستم توده ها و افت و انحراف

در آلمان هتلی، گروههای دس راستی سرکوب، کوکلس کلاسیا در آمریکا... همگی ساس دهنده اس مسئله هستند که استما رگران سوره بورژوازی رمایی که مافع و مصالح طفا ساس انحا کد، درگنا ر ارگانیهای رسمی سرکوب صل ارس، سلس ( و در کسور ما اما به راسیا سا ه اسدا ران)، ارگا نیهای غیر رسمی سرکوب سراسفا ده کرده و خوا هد کرد. ما از این سارمان می رسم، سرفس ابکسه رهبری با ندهای سا ه در دست جناحی ار هشت حا کمه ساسد، اسن امر دلیل جنگ افروز بودن اس جناح نیست، آنا کسا ر حلقهای کرد و ترکمن و عرب و... مورد موافقت همه حا حیای هشت حا کمه نبود؟ آنا اعدای ای دسه جمعی و فاسسی سار زس درگرسا ن و جوسنا و... مورد ساد سنا منا حیا ترا رگرسا؟ آنا مسئول کسا روا سار با رگا رگان سکا روسا غل، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان، همه جناحهای هشت حا کمه نبودند و آنا سبیا نبودند که ساری کسار خلفیا و رحمکسان و نیا حبه دانا گاه و... گوی سبب را از تکدیگری رسودند؟ مگر همس سنی صدر "اصلاح طلب" نبود که سار سرور و حسا نه چار س از رهبران خلق ترکمن (که سزم ساسدا س آن مخالف بوده است) آنا سارا علامدا ست که اگرا و هم فاضی سرع بود آنها را به اعدا محکوم میگردد؟ یا سح تمام اسن سئوالا ت از نظر ما منیب است. حال آنکه اس با سخ از حانب دیدگا رهویزیونیستی که در بی تحقق ساز س با بورژوازی اس منعی ساسد.

حال سیردا ز سبه مسئله افرا س سولسد و بی بهره وری که ما ه سر دسورا ل عمل ما درنده از طرف این جراس

(۸) - البته سازمان حریکهای فدائی این توصیه را به کارگران آن کارخانه ها میبندد که در آن "شوراهای واقعی" وجود دارند، این دیگر عذر بدتر از گنا ه است! فدائیان درست در آنجا شبکه کارگران از طخ آکا هی بیشتری برخوردارند و تحت فشار خود، شما بندگان واقعی خویش را در "شورا" نشانداده اند، از آنان دعوت میکنید که چرخ دستگا بهره کشی سرمایه داران را سریعتر بکارانند! یعنی از کارگران درست همان چیزی را طلب میکنید که در بیطن خود نفی "شورای واقعی" ضرورت وجودی آنرا حل میکند. آیا شورا های زرد در کارخانه ها و سرما به داران ( و طبعاً دولت بورژوازی) ای می آن جز برای این از "شورا" و کارگران طلب می کنند؟!

## فان ، مسکن ، آزادی



## پیکار

ورد زبان بنی صدر عوا مغرب نیز هست که در هر کوی و برون و در هر سخنرانی سر آن تا کید میکند. واقعیت این است که گرجا اگر آن، جهیل از قیام و وجه در طول ویس از آن، بستن بر صدا کا رپها را کردند. سبترین کشته ها را دادند و ما زرات قهرمانان نه آنها بود که نقش قاطعی بر ما ن حالت ننگین سلطنت داشت، اما نه تنها کمترین سپه ای از آن همه فدا کاری و مبارزه نبردند، به تنها روابط استعماری حاکم از نین برت (که بطلت ما هیت قدرت سیاسی حاکم جشن انتظار می سزنا در صوب و صوب بوده است) بلکه هشت حاکمه از سر ما به داران فراری مکرر دعوی کرد که ما زگرند و به استعما خود ادا مدهند.

کا رگران ما زگره برای استعما تریب حقوق خود مبارزه میگردند مورد سرکوب و اخراج و دستگیری و زندان اصابه اند، کا رگران بکا را زحی حیات نیز محروم شدند و در فاسی ار با عی صی و ری اسلامی (که البته حیرت انگیزی جوا نهم استوار نیست با صد) از اسناداتی ما زره کا رگران یعنی اعصاب نیز ممنوع اعلام شده و ما زایها ی سنگینی برای بکا ر بودن آن سن بنی گردند. سر را سیاسی حکومت بوزوازی در تقا ممد بیس از صدرت رسیدن این بود: کا رگران عزیز "صیرا انقلابی داستا شد" کمترین بخا هی، اما سبتر کا رکنند و سبتر تولیبدکنند ما می برسیم کا رگران در زیر سلطه بوزوازی برای جه دست به افزایس تولیدی زبند؟ که سبتر استعما ر شوند؟ که نخر سود بوزوازی افزایس با صد برای چه از ما زره دست کشیده و به بحران انقلابی حاشه دهند؟ که به تسبب بوزوازی ار با عی صی کنگ نما یند؟ برای چه ما بدست از اعصاب و نخرن برای گرفتن جزو نا حزبی از حقوق خود دست نکند؟ برای چه این "درسه انقلاب" را تسطل کند؟ که ما تحکیم رژیم کامیسترو سبتر سرکوب شوند؟ که مرگ تدریجی خود را تسدا و م سهند؟ نکی نیست که تقا مرو بیونیستی ان کمدان من بوزوازی بنا ه برده اند و رهبری سازمان ج. ف. خ. برای این سئوالا ت ما سچا ی آمادای دارند، اما در اس هم نکی نیست که ما سن با سچا چیزی جزا زری چند برای فربک کا رگران و سبتر قریانی کسردن آنان در آستان بوزوازی نیست.

حال اگر توجه کنیم که تسطل ما ر کسیمی ساحت اجتماعی - اقتصادی حاکم بر ما ممان میده که ما زره با امیریا لیسما زکا نال ما زره با سر ما یه - داری وابسته و قدرت سیاسی حاکم مدافع آن میگردند اگر توجه کنیم همین تسطل نشان مدهد که ایران در حال حاضر گرگا ه تقا ده ای سبتم جهانی امیریا لیسنی بوده و بصورت "حلفه ضعیف" این سبتم درآمده است و اگر تویز به نزلت "نر ه زدن به سبتم جهانی نیسی امیریا لیسما در حلفه ضعیف آن معتقد سیم بود - جو می بستیم که ما زره نیروهای ما ر کسیمی - لنیست و کا رگران وز حینکسان بر علیه قدرت سیاسی حاکم نه در جهت ضعف ما زره صدا میریا لیسنی، بلکه در جهت اسحق ما این مبارزه و در جهت رها ئی زحمت - کسان است. هیچ نیروی سبگیری نمیتواند علیه ما هشت حاکمه و دولت طبقاتی او ما زره نکند، هیچ نیروی سبگیری نمی تواند تحت عنوان امکان تجاوز نظمی امیریا لیسما "ما بوزوازی حاکم ما زره نکند زیرا این دولت، ارگان طبقاتی بوزوازی و سر ضد انقلاب است، زیرا این دولت ما هیتا فا دره ما زره فدا میریا لیسنی نیست، زیرا این دولت خود ما سا

سازمان چریکهای فدا ئی مطرح میکند: "ما با رها اعلام کرده ایم که ما سب است "بوا ندادی" نیی توان سبستی بسود ما زرات فدا میریا - لیستی و دمکراتیک خلقهای ایران بحساب آبد" (کا ر ۵۹)

در اینجا سازمان چریکها برای کرسن خود در مجال بوزوازی دست به تحریف میزند، همه میاید شد که در حال حاضر هیچ نیروی کمونیستی بطلت فدا ن موقعیت عمومی انقلابی و شرایط ذهنی لازم انقلاب سعا ر "بوا ندادی" را مطرح نگردند و در دستور بوزوازی ن داده است، ولی این امیریا جنبه نفعی است، حال آنکه ما با فدا هیچ نیروی کمونیستی توقع در مبارزه طبقاتی علیه رژیم حاکم مطرح نگردن می - را اعلام نگردن می توانیم بکنند. همه کمونیستها میگویند ما سبست ما زره انقلابی شده ها علیه هیت حاکمه کنونی و امیریا لیسما سب ما به محورا ملی ما زره حفظ گردد، همه کمونیستها و انقلابس و فدا دار ما انقلاب میگویند ما زره طبقاتی جاری در جا مه بسوست "ما حمان قدرت دولتی" را تسعی نما یند، زیرا این نه تنها سیاست بیگیرا ست.

ما توجه به این واقعیت، اختلاف سیاسی نیرو - های بیگیرا سا زمان چریکهای فدا ئی نه مسئله در دستور بوزوازی رادان با ندادن "بوا ندادی" بلکه مسئله متوجه ما حمان با نمان سن ما زره طبقاتی علیه قدرت سیاسی ما یاید. مسئله ادا ممان با ادا ممان در مبارزه طبقاتی ما انقلاب اجتماعی میاید، مسئله تفاوت میان ما ر کسیم - لنیستیم از یک سو و رویونیستیم و لیبرالیسم از سوی دیگری - با شد، مسئله سیاسی اینست که ما زمان چریکهای فدا ئی مخالف ما زره طبقاتی علیه حکومت کنونی ما یاید، این سازمان از ما زره انقلابی علیه "ما حمان قدرت دولتی" ما نه خالی کرده است، زیرا به سیاست صلب ما بوزوازی روی آورده است.

سازمان چریکهای می گوید: "... ما مییم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاشها ی صلح طلبانه ای که در برخی محافل حکومت دیده میشود استقبال می کنیم" (کا ر ۵۹) ویس افاضه میکند: "... در مقابل جنگ افروزیها ما آنجا که در نوا نمان بوده است ایستادگی و مقا بله کرده ایم... ما مییم ما توجه به مسئولیت عظیم ما زمان با حرکات آنا رشیستی و سعا رها ی سرگونی و بویزه حرکات حب روانهای که توسط آنا رسست ها در میان طبقه کارگر و مبین ما دمان زده میشود بگونه ای ه جنبه مبارزه کنیم" (هانجا تا کدا زمان است)

ما ببنده بوزوازی و مدافع نظام سرمایه داری وابسته است، چرا که بدون این نظام بقای ایسین طبقه هرگز میسر نخواهد بود. ما توجه به تقا این دلایل است که کمونیستهای راستین که در راه آرمان طبقاتی سرولتا را می جنگند علیه رجم تا می ضعف ها محدود - تنها راهی ندها در جزا سبک بدون تزلزل، خط مبارزه طبقاتی و خط انقلاب را دشنا را کنند، حال آنکه بوزوازی فریسکا را ایران منطوره انحراف کسان ن سمت انقلابی این جنبی، سیاست "حما ق و نمان سیرینی" را در پس گرفت و رویونیستیها ی خائن حزب بوده سر انواع واقما متهب ما ونا سزا های سب انقلابی را به نیروهای انقلابی راستین وارد نمودند و می سما یند.

امروز رهبری سازمان چریکهای فدا ئی در حمایت از بوزوازی سیاست نخطه مبارزه نیروهای بیگیر را در سن گرفته است. این رهبری نیروهای را که خوا ها ن ادا ممان ره طبقاتی و انقلاب میاید "حب رو" و "تا رسیست" می خوانند، آنان را در کسار عوا مل امیریا لیسما ی مدهد و آنان را منجم می کنند که "زرگترین خسا نیا را به جنش فدا میریا لیسنی حلق ما روا می دارند" (کا ر ۵۹) و ما همگونی عیسی بیی حرعی یا بنی صدر، حزب نوده و رهبری سازمان چریکهای فدا ئی خلق می سنیم! نی صدر هم میگوید "گروههای غیر مسئول و حب رو به ملت خیا نت میکنند" ولی روشن است که درک او از "ملت" ما ن طبقه سرمایه داران میاید و هرگونه فربه به متافع این طبقه است ما زگررا "خیا ست" را زبای می کند. حال رهبری سازمان چریکهای فدا ئی که بوی ساریس ما بوزوازی ما سب آتکنده ما خسته است نمی توانه به نیروهای سبگیرا انقلاب شتا زده، زیرا او بجای مبارزه طبقاتی مستر به ما زسی می آتد.

### ب - سیاست صلح با بوزوازی

"کا فی نیست که اذعان کنیم ما زره طبقاتی تنها وقتی واقعی، سبگیر و تگامل نیا فته میشود که سیاست را در بر بگیرد، در سیاست نیز این امکان وجود دارد که ما زره محدود به جز شیا ت کرده و یا عمیق تر به مسائل سیاسی بر داریم، ما ر کسیم تنها هنگامی ما زره طبقاتی را کا ملا تکا مل با مته و "رتا ساری" میدا ندهد که تنها سیاست را در سبگیری بیدله که مسائل سیاسی سیاست یعنی ساحتان قدرت دولتی را مطرح سازد... لیبرالیسم ما زره طبقاتی در حیطه سیاست تنها با شرط ابتکها ساحتان قدرت دولتی را شامل نموده موافقت می نماید". (لنس - در ما ر درک لیبرالی و ما ر کسیمی ما زره طبقاتی)

ما م نظر که در سطور قبل منوجه شدیم، ما زمان چریکهای فدا ئی با طرح مرورت حما بت از بوزوازی و دولت حاکم نه نیی سبسر ادا مرا انقلاب و مبارزه طبقاتی میرسد و نیروهای بیگیرا که خوا ها ن همراهی ما مبارزه طبقاتی می ما سشد "تا رسیست" قلمدا می - کند، حال آنکه ما سبست رویونیستی و انحرافی، عبارت است از آن سیاستی که در پی سر راری "صلح" بین سرولتا را و بوزوازی است، سیاستی که در پی تکا مل مبارزه طبقاتی و کسب قدرت سیاسی تسما سب سیاستی که در پی منحرف کردن سمت اصلی مبارزه طبقاتی یعنی "ما حمان قدرت دولتی" میاید.



جوهر کلام سخنان نوع چیست؟ این جریان معتقد است:

۱ - تحقق خواست عادلانه خلق کرد یعنی خودمختاری و حق تعیین سرنوشت در تحت شرایط حاکمیت بورژوازی - می محتاج مبارزه طبقاتی نمی باشد.

۲ - امکان صلح نوده های تحت ستم با رژیم ستمگران موجود است.

۳ - از صلح با سوزواری حمایت کرده و از ادا مسه مبارزه طبقاتی جلوگیری می کنیم.

یعنی کمپنا دان به ما روزه علمه روزه یونسم و اپورتونسم میا سد. این فرسه برای تکا ردیگر نشان میده تا جه میزان ما روزه علمه روزه یونسم در جنبش کمونیستی از اهمیت قطعی برخوردار است. در واقع کسانی که به این مبارزه کمپنا مدهند و در مقابل آن کرنش میکنند، زمینه ساز رسد و سوسه روزه یونسم ممتا هیک احطاط بورژوازی میا سد و خودنیز اگر چنانچه در آن حرف خوشی به پس رود، قربا نشان روزه یونسم (در اسکا ل گوناگون) و سوسا ل امیرا لیم خوا هندگست. کسی که این حقیقت

و بویزه ها هم روزه یونسمی سوسا ل امیرا لیم سوزوی نمی توانست به حارج شدن یک سری از احزاب و جریانها "مرکز" یا "سایه" حسی کمونیستی و تکامل روزه یونسمی آنها بشود خود سرت بخشد. ما بوجه و ماع سس الطلی، در ایران در بستر حرا ن سیاسی - اجتماعی و سیدد ما روزه طبقاتی حدال بین حط می ما رکسسی - لسنستی و حط می روزه یونسمی می سوا داوچ نکر دو ما تل و رسد ادهای طبقاتی جدید و گاه پیچیده می سوانند سروه را سوسی ناح محض سروه حریکا سدواس

سنا برای این متوجه می شویم که نمی ما روزه علمه قدرت سیاسی نمی توانند به صلح با بورژوازی نکند. رهبری سازمان حریکا، در شرایط ستم طبقاتی و امیرا لیم، "صلح اجتماعی" را موعظه کرده و میگوید تا از گسترش مبارزه طبقاتی جلوگیری نماید. حال آنکه کمونیستها و طبقه ها را ندکدها و منوع می مبارزه طبقاتی را هر چه بیشتر با من نموده و آنرا بسوی انجام انقلاب اجتماعی رهنمون گردند. ولی روزه یونسم - نیست ها که از انقلاب و حجت دارند، سازس طبقاتی را مطرح کرده و قبول لنین "مهمترین مطلب ما رکسیم یعنی آموزش مبارزه طبقاتی را مورد تجدیدنظر قرار می دهند.

### « کلام آخر »

هما نگونه که دیدیم، گرایش روزه یونسمی حاکم بر سازمان ج.ف.ج. در یکا مل خود به یک حرا سس روزه یونسمی در حط می خود به تجدیدنظر در باره مفا هم ما رکسستی - لسنستی دولت و مبارزه طبقاتی بردا حجتا ست، هر چند که این تجدیدنظر را کلا ملا تشویریزه نکرده ما سد، بحریف روزه یونسمی مقوله دولت، حمایت و ستیبا نی از دولت بورژوازی و دولت طبقاتی او، صلح سازس طبقاتی و منفی مبارزه طبقاتی، رد سیه های انقلابی مبارزه و روزه آوردن به سوه رفرمیستی و اصلاح طلبا نه در برابر دولت بورژوازی، ما شید سوسا ل - امیرا لیم شوروی بمتا هیک کسور "سوسا لیم"، ما شید حزاب توده و ریکت و خا ش، این کارگزار سوسا ل امیرا لیم بمتا هیک از جنبش کمونیستی ایران همه و همه موار دبا رزان تحریکا ر روزه یونسمی توسط این جریان است و اگر همین روند همچنان ادامه یابد به ارتداد کلا مل این جریان از ما رکسیم - لسنیم انقلابی خواهد نجا مید.

را ایکا ر می کند، ما رکسست - لسنستی بمتا سد. با دما هب سوزواری روزه یونسم را در ک و مبارزه - ای همه جا نه را علیه آن سازمان داد، بدون حسی مبارزه ای سوا و یکا مل ما رکسیم - لسنیم در میهن ما سرنخوا هنگست و اس و امتع به سبنا سوا مسروه و عا صرم، ل حسی کمونیستی، بلکه خصوص حرا ن و عا صرحا دی و و ما دا رده ما رکسیم - لسنیم در درون سازمان ج.ف.ج. را با ندسدا رس نموده و کوس و سوا ن آنها را حجت ما رزه ای سگسر علیه این سس روزه یونسمی غالب بر سازمان ج.ف.ج. را فرو سرت ما سد.

در عرصه سس الطلی ما رکسیم - لسنیم حدال سیمگسی علمه روزه یونسم (در اسکا ل حرو حقیقی - بر رقی، حسی و ... ) در سس دارد، و اامت لسنسکه سرح سوزواری علیه سولما را موجب گردیده ما نکسی اردسا وردهای سوسا لیم ممتا ارسس سرود، سوزوی سوسا لیم سس و اسال سس سوزوی سوسا ل امیرا لیم و حسی سوسا لیم به سس روزه یونسمی سیدل مگردند، اس حولات خود را در جنبش کمونیستی سس الطلی معکس ما حه و مدد سوده سنا حرا و ما رما نیای متعددی سراه اردا دوحا سب کسده سوه، این صرا ب سسوا سب سراط مسعدری حجت رسد سدی روزه یونسم وجود سا ورد. در حال حاضر عرص روزه یونسم "سجایی"

امرسوه خود می سوا در حجه سس روزه یونسمی را عرا ن نکند. رسد و یکا مل گرایش روزه یونسمی در سازمان حریکا ای تدا ثی در سرح موعه حولات ملی وس - الطلی صورت مگردد. عرا ن گرددن هر چه سخر روزه یونسم ما رما ن حریکا ای تدا ثی خود موحس مگردد با امکان احام مرسدی های دشمن و نصفه کسده سرف حسی کمونیستی ارا ندسدها و افکا رسد ما رکسسی روزه یونسمی سوسده و آسکار، سسرسدند آند. حال کمونسس ها با ندسده اس حولات آگا ها سرحورد سوده و سگسده ا رطری سسردک ما رزه ساسی - اندولوریک فعال، اس مرسدنیا هر چه آگا ها سسرد سسرد صورت کرد، بدون اسس ما رزه سگسده روزه یونسمی حسی ما رکسسی - لسنستی می سوا ندسده طرده ما سس روزه یونسم سرف مفل اندولوریک سولما را و ما سس سوسده آس خودا تل آند، بدون اس ما رزه اندولوریک سسوا ن وحد حسی کمونیستی و احاد حرت را س ما سسویا ای اسوا ر ما رکسیم - لسنیم سرفا ر ناح.

ما رکسیم - لسنیم را ما سوس و یکا رسدیم! روزه یونسم را افا کرده و طرد ما سیم! سوزواری و امیرا لیم را سوا حه و در هم سگوسیم!

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست